

الله أكبر  
الله أكبر



# برای همکلاسی ام

وصایای شهیدای دانش آموز استان قم

دفتر سوم: کربلا - شهادت

علیرضا صداقت

- سرشناسه : صداقت، علیرضا، ۱۳۵۸ -  
عنوان و نام پدیدآور : برای همکلاسی‌ام: وصایای شهدای دانش‌آموز استان قم / علیرضا صداقت.  
مشخصات نشر : قم: نشر هدی، ۱۳۹۲.  
مشخصات ظاهری : ج.۳  
شابک : ج.۳: ۴۰۰۰۰۳ ریال؛ ۴۰۰۰-۶۵۷۴-۶۰۰-۹۷۸  
وضعیت فهرست نویسی : فیبا  
یادداشت : ج. ۲ - ۴ (چاپ اول: ۱۳۹۲) (فیبا).  
مندرجات : ج. ۱. مناجات - والدین - ج. ۲. ولایت - بصیرت - ج. ۳. کربلا - شهادت - ج. ۴. وصیت.  
موضوع : شهیدان -- ایران -- قم (استان) -- وصیت‌نامه‌ها  
موضوع : جنگ ایران و عراق، ۱۳۵۹ - ۱۳۶۷ -- شهیدان -- وصیت‌نامه‌ها  
رده بندی کنگره : ۱۳۹۲ ب۴ص/۱۶۲۵ DSR  
رده بندی دیویی : ۰۸۴۳۰۹۲۲/۹۵۵  
شماره کتابشناسی ملی : ۳۰۶۷۶۲۶



## برای همکلاسی‌ام

علیرضا صداقت

ناشر: نشر هدی

جلد سوم / چاپ اول - قم

شمارگان: ۲۰۰۰ نسخه

طراح جلد و صفحه‌آرا: سیدمصطفی شفیعی

قیمت: ۴۰۰۰ تومان

شابک: ۰ - ۴۰ - ۶۵۷۴ - ۶۰۰ - ۹۷۸

نشانی مرکز پخش: قم - ۴۵متری ۱۵ خرداد - ۱۸ متری سوم خرداد - کوچه ۱ - پلاک ۴۵

تقدیم به شهدای گمنام که به مادرشان زهرا (سلام الله علیها) اقتدا  
کردند.



## فهرست

مقدمه	۹
دفتر کربلا	۱۵
• امام حسین (علیه السلام)	۱۷
• اهل بیت حسین (علیه السلام)	۳۷
دفتر شهادت	۴۷
• توصیف شهادت	۴۹
• جبهه و جهاد	۵۵
• شهادت طلبی	۸۹





## مقدمه

شهید، شاخه‌ی شجره‌ی طیبه طوبای نبوی است که (أصلها ثابتٌ و فرعها فی السماء) و میوه‌ی پاک درخت مبارکه (لا شرقیه و لا غربیه) فاطمی است که شمیم دل‌انگیز آن نوازشگر روح بی‌قرار عاشقان و منتظران جمال زیبای مهدوی است.

شهید، شافع نافی است که نشان پر افتخار شفاعت (مَنْ أَدِنَ لَهُ الرَّحْمَنُ) بر جبین دارد تا دوستان لغزان و برادران هراسان را در موقف (لا تَنْفَعُ الشَّفَاعَةُ الشَّافِعِينَ) فریادرسی کند.

شهید، شاهد همیشه بیدار امت‌ها است تا در (یَوْمَ نَبْعَثُ مِنْ كُلِّ أُمَّةٍ شَهِيداً) گواهی صادق بر صداقت یاران فداکار باشد و حجتی آشکار بر عملکرد مدعیان بد رفتار.

شهید، (شهابٌ ناقب) شب‌شکن در ظلمت جاهلیت مدرن است و شراره‌ی سوزان (رُجُوماً لِلشَّيَاطِينِ) تا دفع‌کننده‌ی خطر شیخون شیاطین فتنه‌گر به حریم ملکوتی اسلام و قرآن باشد.

شهید، شفاعت‌بخش دل‌های دردمند و مشتاقی است که از درد فراق آن دُرْدانه عالم هستی محزون و به انتظار آن طبیب مهربان و منجی موعود با زمزمه‌ی (أَمِّنْ يُجِيبُ ...) به دعا نشسته‌اند.

شهید، شمع شب‌افروزی است که با (نُوراً يَمْشِي بِهِ فِي النَّاسِ) رسواگر ظلمت-نشینان سیاه‌دل و تاریک‌اندیشان سیاه‌نما است که در صددند نور الهی را با پف‌هایشان خاموش کنند. (يُرِيدُونَ لِيُطْفِئُوا نُورَ اللَّهِ بِأَفْوَاهِهِمْ وَ اللَّهُ مُتِمُّ نُورِهِ وَ لَوْ كَرِهَ الْكَافِرُونَ).

شهید، شرف ماندگار (امَّةٌ وَسَطًا) است تا با اقتدا به شاهد انبیا و امم، رسول اعظم به مدال افتخارآمیز (لِتَكُونُوا شُهَدَاءَ عَلَى النَّاسِ) مزین شود و مصداق

بارز (کنتم خیر امة) گردد تا در اجرای فرمان حیاتبخش (تأمرؤن بالمعروف و تتهون عن المنکر) خون قلب خویش را نثار کند.

شهید، شرح مظلومیت مستضعفان رنج دیده و محنت کشیده‌ای است که دست تضرع به سوی معبود خویش بلند کرده و نجات خویش را طلب می‌کند که (ربنا افتح بیننا و بین قومنا بالحق و انت خیر الفاتحین).

شهید، شوکت و اقتدار میهن اسلامی است و شاخص عزت و سربلندی ایران ولایت‌مدار انقلابی که (و لله العزة و لرسوله و للمؤمنین).

شهید، شنوای ترنم دلنشین (انی انا ربک) است و پذیرای فرمان عاشقانه (فاخلع نعلیک)، تا تمام هستی خویش را در راه وصال دوست (انک بالواد المقدس طوی) در طور سینای بندگی به کف اخلاص نهد و به وجه‌الله نظر کند.

شهید، شهریار شهر عشق است و پیش‌آهنگ خط سرخ شهادت و شادمان به وعده محبوب (فرحین بما آتاهم الله من فضله) و بهرمنند از حیات جاوید و رزق عندالرب (بل احياء عند ربهم يرزقون).

شهید، شوینده‌ی شبهات شرک و نفاق (من یرتد منکم عن دینه) است و مبطل اباطیل کفر و ارتداد؛ (لیحق الحق و یبطل الباطل) و وعده حیات‌بخش رسول کریم که (فسوف یاتی الله بقوم یحبهم و یحبونه).

شهید، شمیم شقایق‌های خونین دشت بلا است و شبنم پر طراوت گل‌های بیابان نینوا.

شهید، شیفته‌ی بی‌قرار شریعت نبوی و شیعه ناب طریقت علوی است و نوشنده جام شراباً طهورای بهشتی از چشمه‌سار کوثر ولایت؛ (و سقاہم ربهم شراباً طهوراً).

شهید، شاکر پرهیزگار (فی مَقْعَدِ صِدْقٍ عِنْدَ مَلِکٍ مُّقْتَدِرٍ) است و میهمان ضیافت جنات عدن که فرشتگان از هر دری بر وی وارد شوند و با ترنم دلنواز (سَلَامٌ عَلَیْکُمْ بِمَا صَبَرْتُمْ) به استقبالش آمده، بر بال‌های خود نشانده، مباحثات می‌کنند.

شهید شتابنده‌ای شادمان است به سوی مغفرت پروردگارش (وَ جَنَّةٍ عَرْضُهَا السَّمَاوَاتُ وَ الْأَرْضُ) و سبقت گیرنده پیشتازی است که با نثار جان و سر به حریم قرب الهی شرفیاب و تفسیر (السَّابِقُونَ السَّابِقُونَ أُولَئِكَ الْمُقَرَّبُونَ) می‌شود.

شهید، شاگرد تربیت‌یافته مکتب روح‌الله است و یار بی‌ریای ناخدای کشتی انقلاب، ولی بصیر و بیدار امت، در امواج طوفان‌های شکننده فتنه‌هاست.

این مجموعه به بررسی موضوعی وصیت‌نامه‌های ۱۶۰ شهید دانش‌آموز استان قم در چهار جلد با عناوین: دفتر مناجات - دفتر والدین، دفتر کربلا - شهادت، دفتر ولایت - بصیرت و دفتر وصیت پرداخته است که بیش از ۹۷ درصد متن وصایای شهدا در آن درج شده است. امید است که مورد قبول خدای شهیدان قرار بگیرد.

الهی شهیدشید!

علیرضا صداقت

۱۳۹۱ آذر ۲۷



امام خمینی(ره):

«این وصیت‌نامه‌هایی که این عزیزان می‌نویسند مطالعه کنید. پنجاه سال عبادت کردید خدا قبول کند، یک روز هم یکی از این وصیت‌نامه‌ها را بگیرید و مطالعه کنید و فکر

کنید.» صحیفه نور / ج ۱۵ / ص ۳۲

مقام معظم رهبری:

«این وصیت‌نامه‌هایی که امام می‌فرمودند بخوانید، من به این توصیه‌ی ایشان خیلی عمل کرده‌ام. هرچه از وصیت‌نامه‌های همین بچه‌ها به دستم رسیده - یک فتوکپی، یک جزوه - غالباً من این‌ها را خوانده‌ام. چیزهای عجیبی است. ماها واقعاً از این وصیت‌نامه‌ها درس می‌گیریم. این جا معلوم می‌شود که درس و علم و علم الهی، بیش از آنچه که به ظواهر و قالب‌های رسمی وابسته باشد، به حکمت معنوی - که ناشی از نورانیت الهی است - وابسته است. آن جوان خطش هم به زور خوانده می‌شود؛ اما هر کلمه‌اش برای من و امثال من، یک درس و یک راهگشاست و من خودم خیلی استفاده کرده‌ام. در بسیاری از موارد، به پدر و مادرشان می‌نوشتند که ما از این جا دل نمی‌کنیم. این جا بهشت است و زندگی این جاست. مثلاً در جواب این که مادرش نوشته بود: پسر من! زودتر بیا، یا به ما خبر بده، می‌گوید اصلاً آن جا زندگی نیست. زندگی این جاست. این همان معنویت بود. وقتی معنویت هست، دل‌ها مجذوب آن می‌شود. وقتی دل‌ها مجذوب شد، نیروها به دنبال دل‌ها و اراده‌ها حرکت می‌کند. وقتی این طور شد، بزرگ‌ترین قدرت‌ها نمی‌توانند یک ملت را شکست بدهند. برادران! این واقعیت در ایران اتفاق افتاد. بزرگ‌ترین قدرت‌های دنیا نتوانستند ایران را شکست

بدهند.» ۱۳۷۰/۶/۲۷



# دفتر كربلا

- امام حسين (عليه السلام)
- اهل بيت حسين (عليه السلام)





## امام حسین (علیه السلام)

**شهید محسن ابراهیمی:** دبیرستان امام صادق (علیه السلام) - ۱۶ ساله  
بارالها! از تو می‌خواهم که در هنگام شهادت تشنه باشم و جنازه‌ام از عبور  
مهدی زهرا (عج) عطر آگین شود و چنان شهادتی را نصیبم بگردان که  
بدون غسل و کفن و همراه با لباس رزم به خاک سپرده شوم تا در روز  
محشر با شهدای کربلا محشور شده و در پیشگاه امام حسین (علیه السلام)  
سرور شهیدان روسفید باشم.



### شهید محسن بیابانی مظلوم قمی: ۱۷ ساله

(خدایا!) به حسین(علیه السلام) بگو که خونش در رگ‌ها هم چنان می‌جوشد! بفرما که از آن خون‌ها سروها روئیده! ظالمان سروها را بریدند و می‌برند؛ اما هم چنان سرو می‌روید.

### شهید خالد محلاتی: دبیرستان امام صادق(علیه السلام) - ۱۸ ساله

حمد و سپاس خدای را که به ما توفیق راه حسین(علیه السلام) را عطا نمود.

### شهید محسن ابراهیمی: دبیرستان امام صادق(علیه السلام) - ۱۶ ساله

برادران عزیزم! عاشقان الله یکایک رفتند و همه به معشوق‌شان رسیدند؛ اما من واماندم، کاروان حسین(علیه السلام) حرکت کرد و من هم در عقب این قافله نتوانستم خودم را برسانم؛ اما الان رفته‌ام تا بلکه بینم می‌توانم خودم را برسانم و به معبودم پیوندم یا نه.

توصیه اکید من این است که شما هم سعی کنید خودتان را به این کاروان که آخرش لقاءالله می‌باشد، برسانید و اگر در این راه قدم برنداشتید، پشیمانی و افسوس زیاد دارد.

### شهید سید حسن طباطبایی: دبیرستان امام صادق(علیه السلام) - ۱۹ ساله

شما ای پدر و ای مادرم! اگر بر سر جنازه‌ام حاضر شدید تعجب نکنید؛ چون من راه سالار شهیدان حسین(علیه السلام) و مولای متقیان علی(علیه السلام) را دنبال کردم... من درس ایثارگری و شهادت را از حسین بن علی(علیه السلام) آموختم و همان راه را دنبال کردم.



### شهید مهدی سقایتی: دبیرستان صدر - ۱۷ ساله

سلام بر حسین(علیه السلام) نخست آموزگار شهادت. سلام بر آن که خون پاکش در صحرای کربلا جاری شد و پس از هزار و چند سال است که ایران اسلامی لبیک گویند به ندای هل من ناصر ینصرنی او قیام کردند.

### شهید محسن بیابانی مظلوم قمی: ۱۷ ساله

از شما خانواده گرامی ام می خواهم که راه سعادت بخش حسین(علیه السلام) را ادامه دهید و اگر می خواهید به راه حسین(علیه السلام) بروید، راه امام را روید که راه حسین(علیه السلام) است و امیدوارم که زینب وار زندگی نمایید.

### شهید محسن ابراهیمی: دبیرستان امام صادق(علیه السلام) - ۱۶ ساله

از آنجایی که خیلی دوست داشتم تا کربلا را زیارت کنم از شما می - خواهم که بعد از شهادتم به جای من به زیارت کربلای حسین(علیه السلام) بروید و سلام مرا به شهدای کربلا برسانید.

### شهید محمود اهوز: مدرسه مهدوی - دوم راهنمایی - ۱۸ ساله

ما سرباز امام زمان(عج) هستیم، ما پیروان حسین(علیه السلام) هستیم، ما ادامه دهندگان راه حسین(علیه السلام) هستیم.

### شهید مهدی ایرانی زاده: ۱۷ ساله

خدایا! به جبهه آمدم که بگویم قیامت وجود دارد، بگویم که هنوز کسی است که صدای «هل من ناصر ینصرنی» حسین(علیه السلام) را لبیک بگوید.



**شهید محسن ابراهیمی:** دبیرستان امام صادق (علیه السلام) - ۱۶ ساله  
گریه و ناله‌های خود را برای امام حسین (علیه السلام) قرار بدهید که  
مظلومانه به شهادت رسید و کسی را نداشت که برای او گریه کند.

**شهید مهدی ایرانی زاده:** ۱۷ ساله  
خدایا! سرمشق زندگی‌ام را خط سرخ شهادت قراردادم چون که سالار  
شهیدان حسین بن علی (علیه السلام) شهادت را سرمشق زندگی خود قرارداد.

**شهید مرتضی احمدی نیا:** ۱۶ ساله  
برای من زیاد گریه نکنید؛ زیرا گریه سزاوار مولایم حسین (علیه السلام)  
است.

**شهید احسان پورمیدانی:** ۱۹ ساله  
مادر و پدر عزیزم! گریه کنید نه برای من برای مظلومیت امام حسین (علیه  
السلام)، برای مظلومیت شهدای کربلا، برای مظلومیت حضرت زینب (سلام الله  
علیها).

**شهید سید مرتضی شریفی:** دبیرستان ملا صدرا - بخش کهک - ۱۷ ساله  
شمایی که دم از یاری امام حسین (علیه السلام) می‌زنید، حالا هم دیر نشده و  
همانند آن روز است که باید هر کدام امتحان پس داد و هر کس امتحان  
خود را باید بدهد تا خداوند از آن راضی بشود.



### شهید حسین محمدی کیلوايي: ۱۷ ساله

من در مکتب حسین(علیه السلام) در جبهه‌ها درس شهادت را گرفتم و آموختم که در نهضت حسین(علیه السلام) باید درس شجاعت را آموخت. لحظاتی دیگر به عملیات نمانده قلب‌ها به عشق حسین(علیه السلام) می‌تپد. انگار که به دنیای جدیدی دست پیدا کرده‌ام. آیا زنده‌ایم یا به دیار دیگر می‌رویم؟! تمام بچه‌ها در سنگر اشک می‌ریزند و حسین(علیه السلام) را صدا می‌کنند. از خدا می‌خواهم که مرا بیامرزد و از گناهان من درگذرد. به امید دیدار در صحن اباعبدالله(علیه السلام) خدانگهدار.

### شهید مهدی نوروزی: هنرستان فنی قدس - ۱۷ ساله

راه سعادت بخش حسین(علیه السلام) را ادامه دهید و زینب‌وار زندگی کنید.

### شهید محسن انصاری: ۱۹ ساله

اکنون که این وصیت‌نامه را می‌نویسم در نهایت حالت خوب و رجا بسر می‌برم و اشکم از خشیت خدا سرازیر است و امید به رحمت و کرم بی- نهایت الله قلبم را تسکین می‌دهد. در این مدت سعی کرده‌ام خودم را آماده کرده و کوله‌بار خالی از توشه را ببندم، آماده سفر شوم و اما به تنهایی در این وادی قدم گذاشتن برای احدی میسر نیست، باید با محافظ و شفیع رفت و ما هم دامن چهارده معصوم را گرفته‌ایم و با سوختن برای حسین(علیه السلام) و امید به حضرت حجت(عج) در حال رفتنیم هر چند که آمادگی نداریم و هیچ وقت آماده نخواهیم شد؛ اما چه کنیم که باید رفت.



### شهید مهدی دانش: ۱۶ ساله

هرگز بر مرگ من گریه نکنید، که خود را لایق گریه‌های شما نمی‌دانم. اگر می‌خواهید گریه کنید برای حسین (علیه السلام) سرور شهیدان گریه کنید که او حق بزرگی بر گردن ما دارد.

### شهید حسین محمدی کیلواپی: ۱۷ ساله

ما پیروان مکتب حسین (علیه السلام) هستیم.

### شهید محسن ابراهیمی: دبیرستان امام صادق (علیه السلام) - ۱۶ ساله

درد بر شهدا بخصوص سالار شهیدان حسین بن علی (علیه السلام) که ندایش بعد از قرن‌ها در قلب تمام یارانش باقی مانده است و امیدوارم که خداوند ما را پیرو ایشان قرار بدهد.

### شهید محمد صادق منصوریان: دبیرستان صدوق - ۱۸ ساله

خداوندا! دوست دارم حسین وار شهید شوم.

### شهید سید مرتضی شریفی: دبیرستان ملا صدرا - بخش کهک - ۱۷ ساله

اگر خواستید گریه کنید به یاد جدّم سیدالشهداء (علیه السلام) و پهلوی شکسته زهرا (علیها السلام) و به یاد علی اکبر و علی اصغر و به یاد ابوالفضل العباس (علیهم السلام) و به یاد سر بریده‌ی امام حسین (علیه السلام) و طفل شش ماهه اش علی اصغر و به یاد مصیبت‌های زینب کبری (علیها السلام) گریه کنید.



### شهید محمدحسین دهقانی تفتی: ۱۷ ساله

تنها آرزویم این است که اگر لایق این بودم که از این فیض عظیم بهره‌مند شوم، برای من گریه نکن؛ بلکه برای مظلومیت و غریبی آقا و مولایمان امام حسین (علیه السلام) و خواهرش زینب کبری (علیها السلام) اشک بریز.

### شهید مهدی سقایتی: دبیرستان صدر - ۱۷ ساله

چه گواراست شهید شیرین شهادت؛ همان شهادتی که حسین (علیه السلام) در کربلا به ما آموخت و ما همان رهرو راه اویم و لبیک‌گو به ندای «هل من ناصر ینصرنی» او. و این شهید است یگانه شاهد تاریخ، شهادتی خون‌رنگ و به عظمت آفتاب، آری ما پیروان او هستیم و گفت: «إِنَّ كَانِ دِينَ مُحَمَّدٍ لَمْ يَسْتَقِمْ إِلَّا بِقَتْلِ فَا سَيُوفُ حُدَيْنِي».

### شهید محمد زینلی: هنرستان فنی قدس - ۱۶ ساله

خون‌های گران‌بهایی برای اسلام ریخته شده است؛ خون امام حسین (علیه السلام)، علی اکبر (علیه السلام)، قاسم بن حسن (علیه السلام) و خدا خیلی رحیم است؛ حر ریاحی را هم می‌پذیرد اگر به او رو می‌آورد، پس از خدا بخواهید که مرا هم به درگاهش قبول کند و اگر گریه هم کردید با یاد شهدای کربلا گریه کنید.



**شهید محمد رضا شریفی پور:** دبیرستان امام صادق (علیه السلام) - ۲۰ ساله  
اگر یک لحظه مظلومیت حسین (علیه السلام) و صبر زینب (علیها السلام) را بیاد  
بیاورید، مرگ فرزند خود را فراموش خواهید کرد.

**شهید مهدی ایرانی زاده:** ۱۷ ساله  
خدایا! به جبهه آدم بگویم که هنوز کسی است که صدای «هل من  
ناصر ی نصرنی» حسین (علیه السلام) را لبیک بگوید.

**شهید خالد محلاتی:** دبیرستان امام صادق (علیه السلام) - ۱۸ ساله  
زندگی حسین (علیه السلام) و یارانش درسی است برای آنها که می‌خواهند  
آزاده باشند.

**شهید محسن انصاری:** ۱۹ ساله  
مصیبت آقا اباعبدالله الحسین (علیه السلام) را بسیار بخوانید و بسیار اشک  
بریزید، باشد که خودش راه کربلایش را بگشاید و ما را شفاعت کند.

**شهید مهدی سقایتی:** دبیرستان صدر - ۱۷ ساله  
(ما) می‌رویم و هجرت می‌کنیم و خون‌مان را نثار راه‌مان که همان راه  
اباعبدالله الحسین (علیه السلام) است می‌کنیم...  
راهم همان راهی است که حسین (علیه السلام) در روز عاشورا به خاطر آن  
جان داد، پذیرای شهادت هستیم. اینک لبیک‌گو به ندای «هل من ناصر  
ی نصرنی» حسین زمان عازم جبهه‌های نبرد هستیم.





### شهید خالد محلاتی: دبیرستان امام صادق (علیه السلام) - ۱۸ ساله

پدر و مادر خواهران و برادران! اگر خواستید بر من گریه کنید به یاد سرور شهیدان سید مظلومان مولایمان اباعبدالله (علیه السلام) و به فرق شکافته پدر مظلومش علی بن ابیطالب (علیه السلام) و به مادر مظلومه‌ی پهلوی شکسته‌اش حضرت زهرا (علیها السلام) و به اسارت خواهر بزرگوارش حضرت زینب (سلام‌الله علیها) و به یتیمی فرزندان خردسالش گریه کنید.

### شهید عباس یزدانی: ۱۷ ساله

به خدا قسم می‌خواهم هنگام شهادت سر نداشته باشم مثل حسین (علیه السلام)، دست نداشته باشم مثل عباس (علیه السلام)، بدنم مثل قاسم (علیه السلام) تکه‌تکه باشد، سینه‌ام مثل زهرا (علیها السلام) سوراخ شده باشد. من می‌خواهم وقتی به حضورشان می‌رسم مثل خودشان باشم.

### شهید مهدی نوروزی: هنرستان فنی قدس - ۱۷ ساله

پدرجان! و مادرجان! شما در غم شهادت من نگران نباشید؛ چون این راهی است که از آموزگارم سالار شهیدان امام حسین (علیه السلام) آموخته‌ام.

### شهید عبدالله مهرورز: دبیرستان صدوق - ۱۷ ساله

اگر شهید شدم نمی‌خواهم قطره‌ای اشک برایم بریزید؛ زیرا اشک‌تان تیری است که قلب دوستان حسین (علیه السلام) را می‌شکافد و ذوق شادی است که روح و لب دشمنان حسین (علیه السلام) را می‌گدازد.



**شهید سید جواد کربلایی حسینی:** دبیرستان هدایتی - ۱۹ ساله  
مادر و خواهرانم! برای شهادت من گریه کنید؛ اما در خفا و در جایی که خلوت است؛ چرا که پیامبر(صلی الله علیه و آله و سلم) می‌فرماید: گریه برای شهید ادامه راه اوست.  
و هر وقت دوست داشتید گریه کنید، به یاد اباعبدالله(علیه السلام) باشید.

**شهید سید مرتضی شریفی:** دبیرستان ملا صدرا - بخش کهک - ۱۷ ساله  
ای حسین(علیه السلام)! کاش آن زمان ما بودیم و تو را یاری می‌کردیم.

**شهید محمد عبدالمالکی:** آیت‌الله کاشانی - ۱۶ ساله  
بی‌عشق حسین(علیه السلام) نتوان عاشق مهدی(عج) شد.

**شهید حسن موحدی:** دبیرستان صدر - ۱۷ ساله  
در مجالس قرائت قرآن و روضه‌خوانی حضرت اباعبدالله‌الحسین(علیه السلام) حتماً شرکت نمایید.

**شهید علی گل‌وردی:** دبیرستان صدر - ۱۹ ساله  
مبادا در شهادت‌م گریه کنید. اگر خواستید گریه کنید برای مظلومیت امام حسین(علیه السلام) گریه کنید.

**شهید حسین محمدی کیلویی:** ۱۷ ساله  
ای کاش من در کربلا بودم و امام(علیه السلام) را یاری می‌کردم.



### شهید علیرضا گنجی پور: ۱۷ ساله

حضرت اباعبدالله الحسین (علیه السلام) مظلوم کربلا که برادرش قمر بنی- هاشم ابوالفضل العباس (علیه السلام) در راه خدا داد و برادرهایش فضل، عون، جعفر و پسرهای خودش حضرت علی اکبر (علیه السلام) شبیه ترین مردم پیغمبر (صلی الله علیه و آله و سلم) و حضرت علی اصغر، حضرت قاسم و عبدالله جگرگوشه‌ی امام حسن مجتبی (علیه السلام) و یاران با وفایش؛ ۷۲ تن در راه دین و اسلام فدا نمود. ما راه امام حسین (علیه السلام) را باید پیماییم و زیارت اباعبدالله الحسین (علیه السلام) در کربلای معلی نائل گردیم و پرچم لا اله الا الله جمهوری اسلامی ایران را بر بلندترین قلّه استبداد بر پا بنماییم.

### شهید حسن قربانی دولت آبادی: ۱۹ ساله

امید که در روز قیامت به شفاعت حسین بن علی (علیه السلام) به بهشت موعود برسیم.

### شهید محمد تقی امین: دبیرستان صدوق - ۱۷ ساله

من الآن در جبهه سوسنگرد هستم و تا به کربلا نروم و قبر امام حسین (علیه السلام) را زیارت نکنم به قم برنخواهم گشت.

### شهید حسین مالکی نژاد: مدرسه حافظ - اول راهنمایی - ۱۷ ساله

از شما خانواده محترم تقاضا دارم که از خدا بخواهید که مرا جزء شهدای واقعی قرار دهد و با امام حسین (علیه السلام) محشور کند.



**شهید حسین فرزندگان:** دبیرستان امام صادق (علیه السلام) - ۱۸ ساله  
در صورتی که من به سعادت عظیمی که حدّ نهایی تکامل انسان است؛  
یعنی به شهادت نائل آمدم دوست ندارم که برایم گریه کنید و اگر که به  
یاد من افتادید، برای امام حسین (علیه السلام) و امام حسن (علیه السلام) که مادر  
نداشتند، گریه کنید.

**شهید حسن علی بابایی:** ۱۶ ساله  
بر سر قبرم ننویسید جوان ناکام؛ زیرا این راه را که همان راه انسانیت و  
راه یگانه پاسدار کربلا حسین بن علی (علیه السلام) است، انتخاب کرده‌ام.

**شهید محمود اهوز:** مدرسه مهدوی - دوم راهنمایی - ۱۸ ساله  
ما که از ابوالفضل العباس (علیه السلام) عزیزتر نیستیم، ما که از امام  
حسین (علیه السلام) عزیزتر نیستیم، پس برای ما گریه نکنید و فقط دعا کنید  
که راه کربلا باز شود.

**شهید حسین فرزندگان:** دبیرستان امام صادق (علیه السلام) - ۱۸ ساله  
ای برادر مسلمان! بدان که امام زمان (عج) فرمانرواست و حسین (علیه السلام)  
پشتیبان ما.

**شهید محمد رئیس ابراهیمی:** ۲۰ ساله  
مادرم برای من گریه نکنید که دشمن شاد می شود برای امام حسین (علیه  
السلام) و فرزندانش گریه کنید.



### شهید محمد تقی امین: دبیرستان صدوق - ۱۷ ساله

تاریخ صحنه پیکارهای خونین و رشادت‌ها و مجاهدت‌های زیادی را دیده و از سرگذشت قیام‌ها و انقلاب‌هایی که در جهان به وقوع پیوسته است، خاطره‌های شورانگیز و حماسه‌بخش و غرورآفرین و جاودانه‌ای به یاد دارد و قهرمانان فداکار و جان برکف و رهبران و پیشاهنگان شکوه‌آفرین و بزرگان‌دیش زیادی را که در دامن خود پرورده است که هر کدام در یک روزگار و زمانی و در یک منطقه و مکانی قد برافراشته و در راه دفاع از اصالت‌ها و کرامت‌ها و ارزش‌های متعالی انسانی، در راه برقراری جامعه اخوت و تحکیم نظام قسط و مساوات و عدالت و زدودن جور و تبعیض و جنایت در راه تکمیل مکارم اخلاق انسانی و در راه پیشبرد اهداف والا و ارجمند بشردوستی و تحقق ایمان و آرمان خدایی خویش، تلاش‌ها و کوشش‌ها کرده است؛ اما صحنه پرشکوه و نمایش عظیم و معنی‌دار و عمیق و الهام‌بخشی چون کربلا و امام و پیشوای شهادت آرمان خداگونه‌ای چون حسین (علیه السلام) و پیام جاودانه و حیات‌آفرینی چون عاشورا را هرگز به یاد ندارد. جویبار خون که از زخم-گاه پیکره شهیدان تشنه‌لب در بیابان تفتیده و سوزان کنار فرات جاری شده بود، همواره و تا همیشه تاریخ و هر روز موج‌تر و خروشناک‌تر از پیش بر گستره‌ی زمین جریان دارد و پیام خون شهیدان را در گوش جان‌ها زمزمه می‌کند و شور و شوق شهادت را در دل انسان‌ها زنده می‌سازد و بر هر کوهساری ارغوان خون‌رنگ عشق می‌رویاند و بر دشت و دامن و لاله‌های سرخ شهادت را به شکوفه می‌نشانند.

حسین (علیه السلام) رهبری است که به آزادگان جهان رسم و راه شهادت می‌آموزد و به قهرمانان درس اخلاص و پاک‌بازی می‌دهد و خلق‌ها را به

دفاع از حقیقت‌ها فرا می‌خواند و به محکومان نظام‌های جور و جاهلیت چگونه مردن را یاد می‌دهد و فلسفه آن را در مکتب خویش تبیین می‌کند.

حسین (علیه السلام) آن ابرمرد تاریخ اسلام حج را از مکه به کربلا آورد و سراپا تسلیم و رضا در برابر حضرت دوست در عید عاشورا به قربانگاه خویش آمد تا همه هستی خود را قربانی عاشقانه ایمان خویش کند و تا صبح با ذکر و دعا و عبادت و شور و شوق شهادت گذراندند و صبح نمایش حج حسینی را برگزار کنند و چه پرشکوه و عظیم است حجتی که حسین (علیه السلام) در کربلا انجام می‌دهد. به طوری که شاعر می‌گوید:

ای کشته! ای که اسم تو مشکل‌گشاست!

هنوز با قصه عجیب تو خلق آشناست

هنوز روید ز خاک پاک تو گل‌های پاک عشق

دارد صبا زکوی تو بوی وفا هنوز

طول زمان نبرد ترا زیاد هیچ کس

هر دل جدا زبهر تو گیرد عزا هنوز

**شهید مهدی عسگری:** مدرسه کسایی روستای فردو - ۱۶ ساله

پدر و مادر عزیزم! من راهم را که همان راه حسین (علیه السلام) است شناخته‌ام و دنبالش رفته‌ام و خوشحالم از بابت انتخاب خویش، امروز این احساس بر من زنده شده است که حماسه کربلا تکرار می‌شود. پدر جان! آیا می‌شود جواب فرزند پیامبر را نداد؟ «هل من ناصر ینصرنی».



### شهید محمدعلی هادی: دبیرستان امام صادق(علیه السلام) - ۱۸ ساله

مادرم! در شهادتم ناراحت مباش و اشک مریز و اگر خواستی گریه کنی برای مظلومیت حسین(علیه السلام) و زینب(سلام الله علیها) و مظلومیت بهشتی و رجایی و باهنر اشک بریز و بدان که حسین(علیه السلام) در آخرین لحظه شهادتم بر بالینم می‌آید و انشاءالله نزدیک است لحظه‌های دیدار با خدای عز و جل.

### شهید نصرالله اکبری عسکرانی: ۱۶ ساله

«هل من ناصر ینصرنی» آیا کسی هست که مرا یاری دهد؟ آری این سؤال حسین(علیه السلام) این دریای آزادگی و این بنیانگذار عدل و قسط در روز عاشورا بود. آیا حسین(علیه السلام) نمی‌دانست که کسی دیگر نیست که او را یاری دهد؟ چرا او خوب می‌دانست که دیگر کسی نیست که او را یاری دهد؛ اما این سؤال را خطاب به من، به تو، به او و تمام نسل‌ها و عصرها و قرن‌ها نموده است. اینجاست که «کل یوم عاشورا و کل ارض کربلا» همه روزها عاشورا و همه زمین‌ها کربلا است، در تاریخ به وقوع می‌پیوندد و اینک من می‌خواهم به ندای حسین(علیه السلام) پاسخ مثبت بدهم که بهر شهادت عازم به کربلای ایران می‌باشم.

### شهید مهدی عسگری: مدرسه کسایی روستای فردو - ۱۶ ساله

و از خدا بخواهید که ما را با یاران حسین بن علی(علیه السلام) محشور نماید.



### شهید محسن عسگری: ۱۶ ساله

راه سعادتبخش حسین (علیه السلام) را ادامه دهید و زینب‌گونه زندگی کنید.

### شهید محمدعلی هادی: دبیرستان امام صادق (علیه السلام) - ۱۸ ساله

ای حسین! ای مظلوم! ای تنهای ظهر عاشورا! ما آمدیم تا ندایت را لبیک بگوییم ...

برادران! دوستان، ادامه‌دهندگان راه سرخ شهیدان، ای منتظران مهدی، جبهه دانشگاهی است که استادش حسین (علیه السلام) فلسفه‌اش شهادت، محصلینش امت حزب‌الله و این تابلو در سر درب آن است: «یا حسین شهید».

### شهید اسدالله فرحناک: دبیرستان صدوق - ۲۰ ساله

ناراحتی و بی‌صبری نکنید و شکر خداوند را بکنید و طوری نباشد که دشمن چیزهایی بگوید. البته گریه کنید؛ چون فرزندی است که خود بزرگ کرده‌اید و برای آن خون دل خورده‌اید؛ ولی بدانید سزاوار است برای ائمه معصومین (علیهم السلام) خصوصاً اباعبدالله الحسین (علیه السلام) گریه کنید؛ چون مرا به نحوی تشییع و کفن و دفن می‌کنند و یا اگر جنازه‌ام نیامد، مردم نسبت به شما مهربان هستند؛ اما دل‌ها بسوزد به یاد غریبی ائمه معصومین (علیهم السلام) و به یاد مظلومیت و غریبی اباعبدالله الحسین (علیه السلام) که بدنش سه روز در صحرای گرما و سوزان کربلا ماند و به یاد غریبی و گمنامی قبر مادرش فاطمه زهرا (سلام الله علیها) که در جوانی شهیدش کردند و قبرش نامعلوم است.





### شهید حسن دولتمند: دبیرستان صدوق - ۱۸ ساله

مادر جان! برای من اشک نریز و اگر اشکی می‌ریزید به یاد کودکان امام حسین (علیه السلام) که در صحرای کربلا با لب تشنه به شهادت رسیدند، اشک بریزید، زیرا من لیاقت اشک با ارزش شما که بهشت زیر پای تان هست ندارم.

### شهید منصور باقری: دبیرستان صدوق - ۱۸ ساله

من آمده‌ام تا راهی را که حسین بن علی (علیه السلام) در آن راه جان سپرد، ادامه بدهم و جان خود را فدای اسلام و قرآن و انقلاب کنم.

### شهید ابوالفضل ماهرخ: ۱۵ ساله

اگر در این راه عظیم به شهادت رسیدم به جای گریه کردن بر من، برای غریبی اباعبدالله الحسین (علیه السلام) گریه کنید.

### شهید مهدی هندویان: دبیرستان صدوق - ۱۹ ساله

خواهرانم! ان شاء الله که مثل زینب (سلام الله علیها) باشید و گریه برآیم نکنید و صبر داشته باشید و گریه‌تان را برای حسین (علیه السلام) و یارانش سر دهید؛ چون من هم راه آنها را پیش گرفتم و شما هم راه زینب (سلام الله علیها) را پیش بگیرید.



### شهید سید حسین سید ابراهیمی: ۱۷ ساله

پدر عزیزم! اگر خواستی گریه کنی برای حضرت علی اکبر(علیه السلام) گریه کن و آن گونه باش که امام حسین(علیه السلام) پس از شهادت علی اکبر(علیه السلام) بود؛ چون من که از علی اکبر(علیه السلام) بیشتر نیستم... مادر عزیزم! زینب(سلام الله علیها) گونه باش.

### شهید حسین حمیدی: دبیرستان صدوق - ۱۸ ساله

از من ناراحت نباشید؛ اصلاً لباس مشکی تن نکنید و هر وقت خواستید برای من گریه کنید یاد ابا عبد الله(علیه السلام) و زینب(سلام الله علیها) باشید و برای آنها گریه کنید.

### شهید ابوالقاسم تلخابی: ۱۶ ساله

ما حسین‌وار وارد صحنه جنگ شدیم و حسین‌وار می‌جنگیم و حسین‌وار به شهادت می‌رسیم... و به شما جوانان! سفارش می‌کنم نکند در رختخواب ذلت بمیرید که حسین(علیه السلام) در میدان نبرد شهید شد. مبادا در غفلت بمیرید در حالی که حضرت علی(علیه السلام) در محراب عبادت به شهادت رسید. نکند در راه هوس بمیرید در حالی که علی اکبر(علیه السلام) در راه حسین(علیه السلام) به شهادت رسید.

### شهید غلامحسین اشعری: ۲۰ ساله

دست از هئیت و راه امام حسین(علیه السلام) برندارید.



### شهید غلامرضا سعادت‌تی منفرد: ۱۶ ساله

سلام خدا و مقربان درگاه خدا بر تو ای حسین(علیه السلام)، ای مدرّس ایمان و شهادت، ای یادگار خاتم انبیا(صلی الله علیه و آله و سلم)، ای عصاره‌ی مظلومیت درطول تاریخ! سلام بر تو و بر متعلّمان مکتبت، بر شهیدان همیشه شاهد براعصار، بر آنان که با سرخی خون خویش ندای تو را لبیک گفتند و بر آنان که با سبزی تعهد خویش به سوی تو شتافتند و در انتظار شهادت و سعادتند. ای مؤمنین! ای مستضعفین! ای خوانندگان این وصیت‌نامه! گواه باشید من رفتم و از گذشت واقعه کربلا و قیام حسین(علیه السلام) سال‌ها می‌گذرد. ای زمان! شاهد باش. ای زمین گواه باش! من در سال ۶۲ رفتم تا ندای حسین(علیه السلام) را که در سال ۶۱ در دشت بهت‌زده کربلا در میان شمشیرها و نیزه‌ها و در پس مظلومیت‌های تاریخ ماند جواب گویم... و خون بی‌ارزشم را در رکاب فرزند برومندش روح‌الله به درگاه احدیت هدیه برم. اگر دین محمد(صلی الله علیه و آله و سلم) با خون قوام می‌یابد پس ای شمشیرهای گداخته مرا در برگیرید! و مرا به دیار عاشقان، به آن وادی که فقط پرواز است و پرواز، سوق دهید. بیایید و مرا از این زندان همچون قفس برهانید تا بسان مرغی سبکبال آزاد و دور از تعلقات دنیوی به سوی او بروم به اوایی که از اویم و عشقم این است که بسویش بروم.

### شهید محمدحسین کاشی پور: ۱۸ ساله

از برادرم می‌خواهم که راه مرا ادامه دهد که همان راه حسین(علیه السلام) است.



■ برای همکلاسی‌ام



## اهل بیت حسین (علیهم السلام)

### شهید محسن انصاری: ۱۹ ساله

مادر! فقط این را بگویم که اگر احیاناً خواستی گریه کنی، یاد مصیبت‌های حضرت زینب (علیها السلام) کن و برای اهل بیت (علیهم السلام) گریه کن. از زینبی (علیها السلام) که در کودکی داغ مادر دید، زینبی (علیها السلام) که داغ پدر دید، زینبی (علیها السلام) که جگر پاره پاره‌ی امام حسن (علیه السلام) دید، زینبی (علیها السلام) که ۷۲ کشته از اصحاب برادر و عزیزان خویش را تحمل کرد، زینبی (علیها السلام) که صدای العطش یتیمان برادر را متحمل شد. و بالاخره زینبی (علیها السلام) که قافله سالار اسرای کربلا بود و مصیبت‌های بسیار دیگر که هیچ موجودی تاب تحمل این مصائب را نخواهد داشت. اما این زینب (علیها السلام) است که در خرابه‌ی شام نماز شبش ترک نشد، مصیبت واقعی این است. اگر تو ای مادر! ایمانت کامل باشد، تا مصیبت اهل بیت (علیهم السلام) هست هرگز برای این مصائب بسیار کوچک که اصلاً اسمش را مصیبت نمی‌توان گذاشت، گریه نخواهی کرد.



### شهید محسن ابراهیمی: دبیرستان امام صادق (علیه السلام) - ۱۶ ساله

اما شما خواهرانم! به یاد دارید که پس از به شهادت رسیدن حسین (علیه السلام) سرور شهیدان خواهر او را به اسارت گرفتند؛ ولی با آن اسیری و مشقات زیاد باز هم مجلس یزید را به لرزه درآورد و می‌دانید که زینب (علیها السلام) چه خوب راه برادرش را ادامه داد و نگذاشت که خون او پایمال شود؛ ولی شما که آزاد هستید، شما که اسیر نیستید پس راه شهدا را زینب وار ادامه دهید؛ چون اسلام به فداکاری شما احتیاج دارد و این را با اعمال خودتان نشان دهید.

### شهید حسین رئیس میرزایی: ۱۸ ساله

موقعی که من شهید شدم، عزاداری برایم نکنید اگر کردید نیت شما این باشد که برای علی‌اکبر امام حسین (علیه السلام) گریه و زاری می‌کنید نه به خاطر من حقیر.

### شهید منصور کارکوب زاده: ۱۶ ساله

امیدوارم که خداوند مرا و همه گناهان را پاک کرده و ببخشد و مرا با شهدای کربلای ایران و کربلای حسینی محشور و هم‌جوار بگرداند و مرا از بهشتیان قرار دهد.

### شهید محمد غلامی: ۱۷ ساله

دعا کنید که خداوند مرا جز شهیدان واقعی قرار دهد و با شهدای کربلا محشور گرداند.



### شهید سید جواد کربلایی حسینی: دبیرستان هدایتی - ۱۹ ساله

ای خواهرانم! می‌دانید که حضرت زینب(علیها السلام) در روز عاشورا وقتی به قتلگاه رسید به جسم برادرش نگاه کرد و سر را به آسمان بلند کرده و فرمود: خدایا! تو این قربانی را به درگهت قبول بفرما. از شما خواستارم که شما نیز با روبرو شدن جسد من چنین کنید.

### شهید محسن بیابانی مظلوم قمی: ۱۷ ساله

ای پدر و مادر عزیزم! و برادران و خواهر گرامی‌ام! اگر من شهید شدم برایم گریه نکنید؛ چون ما از علی‌اکبر امام حسین(علیه السلام) که عزیزتر نیستیم و اگر خواستید گریه کنید برای علی‌اکبر امام حسین(علیه السلام) گریه کنید.

### شهید محمد عبدالمالکی: آیت‌الله کاشانی - ۱۶ ساله

از برادران و خواهران می‌خواهم که مرا حلال کنند و زین‌العابدین وار و زینب‌وار باشند و راه شهدا را ادامه بدهند و در تشییع من هیچ کس گریه نکند؛ چون باعث آزردن روح من می‌شود.

و اگر خواستند گریه کنند برای علی‌اصغر(علیه السلام) و علی‌اکبر امام-حسین(علیه السلام) گریه کنند، برای لب تشنه‌ی اصحاب و خودش(علیه السلام) گریه کنند، برای حضرت ابوالفضل‌العباس(علیه السلام) گریه کنند که مشک پر آب داشت؛ اما نخورد تا علی‌اصغر(علیه السلام) بخورد؛ تا سکینه بخورد؛ که از تشنگی العطش می‌کرد.  
به خاطر خدا گریه کنید نه برای من.



### شهید عبدالله مهرورز: دبیرستان صدوق - ۱۷ ساله

مادر جان! مگر من از علی اکبر حسین (علیه السلام) عزیزتر هستم که چگونه در میدان جنگ به شهادت رسید.

### شهید مصطفی طاهری مطلق: ۱۹ ساله

زینب وار صبر کنید و اگر دل تان سوخت برای علی اکبر امام حسین (علیه السلام) گریه کنید نه برای من.

### شهید محمد حسین حسین پور علوی: آیت الله کاشانی - ۱۹ ساله

اما مادر! غمخوار زندگی‌ام! ای که درس شهامت، شجاعت و شهادت دادی! دوست دارم بعد از شهادت ناراحت نباشی و چون زینب (علیها السلام) بعد از مرگم مبلغ راهم باشی و دوست دارم که به مردم بگویی فرزندم راه امام حسین (علیه السلام) را پیمود. خونش که رنگین تر از علی اکبر و علی - اصغر حسین (علیه السلام) و قاسم بن حسن (علیه السلام) که نبود.

### شهید علیرضا صالحی: ۱۷ ساله

مادر! هرگز نکند که برای من گریه کنی چون می‌دانی که حضرت زینب (علیها السلام) در روز عاشورا وقتی به قتلگاه رسید به برادر و برادرزاده‌ها نگاه کرد، سر را به آسمان بلند کرد و گفت: خدایا! این قربانیان را از ما قبول بفرما. از شما پدر و مادر بزرگواریم می‌خواهم که وقتی بر بالینم آمدید چنین دعایی که حضرت زینب (علیها السلام) با آن حالت پر شور و هیجان گفت، شما هم بگویید.





### شهید محمد صفایی حائری: ۱۸ ساله

هیچ مصیبتی سخت تر برای زینب(علیها السلام) از شهادت فرزندانش و فرزندان برادر و برادرانش چون امام حسین(علیه السلام) و حضرت ابوالفضل(علیه السلام) نبود؛ ولی زینب(علیه السلام) در آن روزهای سخت چه کرد؟ شما هم چنین کنید. نمی‌گوییم بر سر قبر، برایم گریه نکنید. هرگز چنین نیست؛ چرا که اولین کسی که گفت برای شهید گریه کنید، خود خدا بود و اولین نفری که با روضه جبرئیل به گریه درآمد حضرت آدم صفوہ‌الله بود؛ ولی نکته این جاست که این مهم نباید آن قدر باشد که باعث تضعیف روحیه برای اسلام باشد. و سوژه دست منافقین بدهد چرا که اینان منتظرند از این گونه مسائل سوءاستفاده کنند.

### شهید عبدالله مهرورز: دبیرستان صدوق - ۱۷ ساله

ای خواهر! اگر می‌خواهی من در آن دنیا از تو طلب مغفرت نمایم، دوست ندارم که حتی قطره‌ای اشک برایم بریزی، دوست دارم مثل زینب کبری(علیها السلام) باشی که وقتی خبر شهادت برادرش حسین(علیه السلام) را به او دادند خود پرچم اسلام را بر دست گرفت.

### شهید سید حسن طباطبایی: دبیرستان امام صادق(علیه السلام) - ۱۹ ساله

نمی‌گوییم اشک نریزید و اگر خواستید که اشک بریزید برای علی اکبر امام حسین(علیه السلام) اشک بریزید. امام حسین(علیه السلام) هم برای علی اکبرش اشک ریخت.



### شهید سید محمد جعفری تنها: ۱۵ ساله

مادر عزیزم! چند کلمه سخن هم با تو دارم و سخنم این است که مانند حضرت زینب (علیها السلام) مثل کوه استوار باش و برایم گریه مکن؛ چون که منافقان از گریه تو شاد می‌شوند و اگر خواستی گریه کنی برای مظلومی امام حسین (علیه السلام) گریه کن و برای علی‌اکبر حسین (علیه السلام) گریه کن.

### شهید علیرضا ناهیدی: مدرسه شهید ابراهیم ابراهیمی - ۱۸ ساله

به مادرم و به مادر بزرگم بگویند که من در خدمت اسلام شهید شدم و در کنار علی‌اکبر حسین (علیه السلام) هستم.

### شهید حسین مالکی نژاد: مدرسه حافظ - اول راهنمایی - ۱۷ ساله

خواهرانم! زینب (سلام الله علیها) هم در کربلا داغ‌های بزرگی به ویژه داغ برادرش حسین (سلام الله علیه) را دید؛ ولی در مقابل کاخ یزید ایستادگی و مقاومت کرد و او را رسوا نمود من هم از شما تقاضا دارم که از فراق من ناراحت نباشید. من اگر چه در نزد شما نیستم؛ ولی روحم با شماست.

### شهید حسن قربانی دولت‌آبادی: ۱۹ ساله

از خواهران خود می‌خواهم که همچون زینب (علیها السلام) پیام‌آور خون کربلای حسینی باشند و تا پیام خود را بر جهان طنین نیفکند دست از مبارزه علیه ستمگران بر ندارند.



■ وصایای شهیدای دانش آموز استان قم

**شهید علیرضا ناهیدی:** مدرسه شهید ابراهیم ابراهیمی - ۱۸ ساله  
سلام گرمم را به خواهرانم برسان که از بابت من هیچ نگران نباشند و  
بدانند که مهمان قاسم بن حسن (علیه السلام) هستیم.

**شهید سیدجواد کربلایی حسینی:** دبیرستان هدایتی - ۱۹ ساله  
از جوانان گرامی خواهش می‌کنم که کمی فکر کنند... مبادا در خواب و  
غفلت دنیا را وداع گویند که علی اکبر (علیه السلام) در میدان جنگ کشته شد.

**شهید سید محمد بهاء الدینی:** هنرستان فنی قدس - ۲۰ ساله  
خواهران عزیزم! از شما می‌خواهم که همچو زینب (سلام الله علیها) در عزای  
من شادی کنید و ناراحت نباشید و باید همچو زینب (سلام الله علیها) ملت را  
شاد کنید و همه جا شاد باشید و برای من گریه و زاری نکنید.

**شهید حسین فرزندگان:** دبیرستان امام صادق (علیه السلام) - ۱۸ ساله  
از آنها (خواهران) می‌خواهم که رهروان راه زینب (علیه السلام) باشند.

**حسن ابوالقاسمی نجف آبادی:** ۱۹ ساله  
ای خواهران و برادران! مانند زینب (علیه السلام) و علی (علیه السلام) رفتار کنید.

**شهید رضا سلمانی:** مدرسه کسایی روستای فردو - ۱۶ ساله  
شما باید راه بنده را زینب گونه ادامه دهی و اگر خواستید گریه کنید برای  
اهل بیت امام حسین (علیهم السلام) گریه کنید.



### شهید حسن عبداللهی: ۱۷ ساله

زن‌ها مانند زینب (سلام‌الله‌علیها) صبر داشته باشید تا در آن دنیا که روز قیامت فرا می‌رسد خدا شما را هم با زینب (سلام‌الله‌علیها) و فاطمه زهرا (سلام‌الله‌علیها) محشور گردانند.

### شهید احمد شریفی: ۱۷ ساله

ای مادرم! هیچ گاه اشک به گوشه چشم مگیر و اگر خواستی گریه کنی، علی‌اکبر امام حسین (علیه‌السلام) را به یاد آور. تو ای برادرم! همانند امام سجاد (علیه‌السلام) با خطبه‌های آتشین خود در نماز جمعه ملت را برای اتحاد بیشتر علیه مستکبران آماده کن تا علیه آنها قیام کرده و اسلام را در سراسر جهان پیاده کنند.

### شهید ابوالفضل عابدی: دبیرستان صدوق - ۱۹ ساله

خواهر عزیزم! تقاضای من این است که همیشه در تمامی شرایط زینب کبری (سلام‌الله‌علیها) را الگوی خود قرار دهی و همیشه زینب‌وار زندگی کنی و در شغل پیامبرگونه‌ات موفق باشی و در تربیت امیدهای آینده اسلام خداوند شما را یاری دهد.

### شهید مجید وفایی: دبیرستان صدوق - ۱۶ ساله

خواهرانم! وصیت من به شما فقط و فقط این است که زینب‌گونه زندگی کنید.



### شهید ابوالفضل قنبریان: ۱۸ ساله

ای پدر و مادر عزیزم! هر موقعی که به یاد من افتادید و یا به سر قبرم آمدید و یا خواستید گریه کنید برای آن طفل شش ماهه حسین (علیه السلام) گریه کنید که آن طفل مظلوم در روز عاشورا هدف تیر دشمن اسلام قرار گرفت و ما پیرو همان مکتب هستیم!

مادر! مگر امام حسین (علیه السلام) و یارانش در روز عاشورا برای اسلام شهید نشدند!

مادر! مگر دو دست حضرت عباس (علیه السلام) را از بدن جدا نکردند! مگر علی اکبر (علیه السلام) و حضرت قاسم (علیه السلام) شهید نشدند! من هم پیش خدا اگر شهید شوم روسفیدم.

### شهید محمدعلی صادقی علی آبادی: دبیرستان صدوق - ۱۹ ساله

شما خواهران! زینب وار راهم را ادامه دهید و شما برادران! سجادوار ادامه دهنده راهم باشید.

### شهید محمدعلی هادی: دبیرستان امام صادق (علیه السلام) - ۱۸ ساله

خواهرانم! زینب وار صبر کنید و برای لحظه‌ای هم برای شهادتم ناراحت نباشید.

### شهید سید محمدتقی صفقی: ۱۸ ساله

از خواهر مهربانم می‌خواهم که مثل زینب (سلام الله علیها) باش که تا هنگام کشته شدن برادرش همراه او بود.



### شهید عباسعلی مرادی کوشکی: ۱۹ ساله

این را می‌دانم که هیچ داغ و مصیبتی بزرگ‌تر از مصائب اهل‌بیت عصمت و طهارت نیست و هر موقع که به یاد من افتادید، بگریید بر مصیبت‌های حضرت زینب (سلام‌الله علیها) و اباعبدالله (علیه السلام).

# دفتر شهادت

- توصیف شهادت
- جبهه و جهاد
- شهادت طلبی



■ برای همکلاسی‌ام





## توصیف شهادت

**شهید محمد تقی کلهری:** دبیرستان امام صادق (علیه السلام) - ۲۰ ساله  
من از شما دوستان و امت شهیدپرور می‌خواهم که مقام شهادت را کم  
نگیرید. بروید قرآن را بخوانید و ببینید که درباره‌ی شهادت چه‌ها گفته و  
یا اگر نمی‌توانید قرآن را بخوانید، کتاب استاد مطهری را درباره‌ی شهادت و  
یا کتاب (شهید و شهادت از دیدگاه امام خمینی) را مطالعه کنید. تا بر شما  
معلوم شود، شهادت یعنی زندگی واقعی. شهادت یعنی پرواز به سوی  
معبود. شهادت یعنی حرکت هر مسلمان. شهادت آرزوی قلبی عارفان و  
بالاخره شهادت یعنی نهایت آرزوی مشتاقان و عاشقان.

## شهید محمد صفایی حائری: ۱۸ ساله

سخنی در باب شهادت بگویم: «اشرف الموت القتل». بهترین مرگ‌ها، شهادت در راه خداست. و علی (علیه السلام) فرمود: من هزار ضربه شمشیر را به مرگ در بستر ترجیح می‌دهم.

قرآن کریم نیز شهدا را اکرام فوق‌العاده نموده است که در حد تصور ما نیست. چه تصویر خوبی است از شهادت که علی (علیه السلام) فرمود: من به مرگ و شهادت از طفل به پستان مادر، مأنوس‌تر و مألوف‌تر و بیشتر علاقه و وابستگی دارم و به همین سبب است که در ضربت شهادت فرمود: فزت و رب الکعبه.

شهادت زیباترین سروده خلقت است. شهادت هنر مردان خداست. و شهیدان قلب تاریخ هستند. و شمع محفل بشریتند. و گل سر سبد جامعه. شهید گل است؛ چرا که لطافت روحش او را همچون گل بوئیدنی و بوسیدنی کرده است.

شهید معلم است، زیرا که خورش تزریقی است بر پیکره‌ی مرده اجتماع و باعث روشنی و روشننگری نسل‌ها است.

شهید، امروزش نور ایمان در ظلمات و تاریکی‌هاست. شهادت اثری است که از اولیا به ما رسیده. شهادت هدیه‌ای خداوندی است که هر کس را لیاقت آن نیست و هر کسی را برانزده پوشیدن این خلعت مقدس و خونین نیست.

شهادت تحفه‌ای است از بارگاه لطف الهی که شامل آن کس که بخواهد می‌کند.

و شهید همان است که خداوند فرمود: ای نفس مطمئن در حالی که از تو راضی است، به سوی کعبه آمال برگشته.



■ وصایای شهدای دانش آموز استان قم

و شهید آن کسی است که با اولین قطره‌ی خونش آمرزیده می‌شود و نظارت بر وجه‌الله از جوارالله نصیب او می‌شود. همان قیام و مرتبه و درجه‌ای که انبیا به آن غبطه می‌خورند.

پس در قاموس ما شهادت، واژه وحشت نیست؛ چرا که آن فوز عظیم است و سعادت ابدی. و درمقام شهداء باید گفت: (وَلَا تَخَافُوا وَ لَا تَحْزَنُوا أَنْتُمْ الْأَعْلَوْنَ). آری آنان بالا و برترند از آنچه که توصیف شوند.

**شهید حمید اهوز:** مدرسه مهدوی - دوم راهنمایی - ۱۵ ساله  
هیچ شیرینی، شیرین‌تر از شربت شهادت نیست و نصیب هرکسی هم نمی‌شود.

**شهید هادی بیضایی:** ۲۳ ساله  
شهادت افتخار ما است.

**شهید مرادعلی علایی کنده:** ۱۳ ساله  
شهید یعنی حاضر و گواه. شاهد، الگو. و شهادت حرکتی است در گریز از پوسیدگی‌ها که شهادت اوج حرکت یک انسان است.

**شهید محمود پناهی فر:** دبیرستان امام صادق (علیه السلام) - ۱۸ ساله  
وقتی قرار است انسان بمیرد، چه بهتر که در رختخواب نباشد و مرگ سرخ را انتخاب کند.



### شهید محمد صادق منصوریان: دبیرستان صدوق - ۱۸ ساله

کدام دگرگونی و انقلاب عظیم‌تر است؛ انقلابی را که در جاهای حساس زمانی خود می‌نمایاند و بروز می‌کند یا آن که مرگ را تبدیل به حیات نموده و آن را سعادت ابدی قرار می‌دهد؛ انقلاب بیرون و درون یا اوج نهامت داخل و درون؛ اما بجاست که در حصار محدوده‌ی مغز کوچک‌مان به پرتویی از شعاع‌های نورانی بیاویزیم که کوتاه‌ترین راه اتصال به بیکران باشد. شهادت را دریابیم و شهدا را که دائماً الهام بخشیده‌اند. شهدایی را که در قلوب همه مردم زنده‌اند. شهدایی که در نزد خدا پایدار و زنده هستند و روزی دارند. این دگرگونی و این تحول (شهادت) که یک انسان آلوده و ساقط را یک مرتبه بالا می‌برد از خصوصیات شهادت این است. همان جوان مرد و زنی که دائماً در اندیشه تأمین لذات و شهوات مادی است در یک آن از جا کنده می‌شود.

وقتی که به میدان شهادت آمد در پی هدف، وقتی بصیرتش گسترده شد در بیکران وجود، این انسان چنان بالا می‌رود که همه غرائز را جا می‌گذارد و ساقط از شهوات و غرائز می‌شود. یک انسان عالی‌قدر می‌شود که پر و بال می‌گشاید و به طرف خدا حرکت می‌کند و مردمی را به دنبال خود می‌کشانند. این خاصیت شهید است...

منطق شهید سوختن و روشن کردن است تا دیگران در این پرتو که به بهای نیستی او تمام شده بنشینند و آسایش بیابند و کار خویش را انجام دهند. آری، شهدا شمع محفل بشریتند. سوختند و محفل بشریت را روشن کردند.



### شهید مهدی دانش: ۱۶ ساله

شهادت مرگ نیست، مردن نیست، زندگی جاویدان است.

### شهید محمد حسین حسین پور علوی: آیت الله کاشانی - ۱۹ ساله

شهید کسی است که وجودش سرشار از عشق به خداست. هر نفسش زیارت و ذکر خداست.

### شهید مراد علی علایی کنده: ۱۳ ساله

شهادت در راه خدا مکتب و وطن چه زیباست.

### شهید احمد رنجبر: ۱۷ ساله

شما برادرانم! سعی کنید درک کنید که در راه خدا شهید شدن بهترین راه‌هاست و همیشه سعی کنید و بکوشید و جوینده این راه باشید و الاّ پشیمان می‌شوید.

### شهید مهدی سقایتی: دبیرستان صدر - ۱۷ ساله

چه گواراست شهد شیرین شهادت.

### شهید محسن عسگری: ۱۶ ساله

شهادت کمال انسان است و هر کس بخواهد به کمال برسد باید این حدیث را بر خود حل کند: «مَنْ عَرَفَ نَفْسَهُ فَقَدْ عَرَفَ رَبَّهُ» هر کس خویش را بشناسد، بعد خدا رامی‌شناسد.



### شهید محمدعلی فرزانه: ۱۸ ساله

مرگ یک پدیده اجتناب‌ناپذیر است. انسان بالاخره باید یک روزی چه بخواند و چه نخواهد بمیرد پس چه بهتر که بهترین نوع مرگ را انتخاب کند. شهادت یک انتخاب است انتخابی بر اساس آگاهی الهی که انسان با این انتخاب می‌رهد از هر چه وابستگی است و به دیدار خدایش می‌رساند.

### شهید ابوالفضل قنبریان: ۱۸ ساله

شهادت همچون میوه‌ای است که نمی‌توان آن را کال از درخت چید. شهادت آگاهی است که برای وصول به این آگاهی باید سرمایه‌گذاری عظیمی کرد. باید خدا و قرآن را شناخت و با پوست و گوشت خود آنرا لمس کرد و یا به عبارت دیگر از مرحله ایمان و جهاد گذشت و تا مرز شهادت پیش رفت.



## جبهه و جهاد

**شهید ابراهیم بحرانی:** دبیرستان دین و دانش - ۱۹ ساله

سلام بر آنان که مردان شان جان خود را می دهند تا حق را به تمام اعصار برسانند و زنانشان با سردادن ندای مظلومیت و رساندن پیام آن شهیدان در تاریخ انسانیت ظلم را برای همیشه به محکومیت کشانند. و آفرین بر بیداردلان که یکی پس از دیگری پرچم پرافتخار الله را برداشتند و سینه خود را سدّ نیزه جباران ساختند و ذلّت را در زندگی نپذیرفتند.

بر آنان رحمت الهی باد که تخت دامادی خویش را لحد قبر، لباس عروسی خویش را کفن خون آلود و همسر خود را و بهترین خویشاوندان خود را فدای آنان می نمایند.



### شهید محسن اعرابی جوشقانی: ۲۱ ساله

اکنون هنگام جهاد است و ما باید از جان و مال خود بگذریم و در راه شهیدان عزیزمان قدم برداریم تا انشاءالله خدا ما را هم جزء شهیدان قرار دهد.

### شهید محمود اهوز: مدرسه مهدوی - دوم راهنمایی - ۱۸ ساله

ما می‌رویم تا با خون خود راه کربلا را باز کنیم.

### شهید محسن ابراهیمی: دبیرستان امام صادق (علیه السلام) - ۱۶ ساله

برادران حزب‌الله! بشتابید به سوی جبهه‌ها. به خدا قسم هر کسی در این دانشگاه الهی شرکت نکند، بزودی پشیمان خواهد شد.

### شهید سید محمد بهاء‌الدینی: هنرستان فنی قدس - ۲۰ ساله

من خود را کوچک‌تر از این می‌دانم که برای مردم غیور و مبارز حرفی بزنم و کلامی بنویسم؛ ولی بر حسب ضرورت چند وصیت می‌کنم. ابتدا با ملت اسلام! ای رهروان راه الله! تا دیر نشده رو به سوی جبهه آورید و به ندای هل من ناصر ینصرنی لبیک بگویید و رو به سوی دشمن آورید، تا با یک حمله دشمن را از پای درآورید.

جوانان رزمنده‌ی اسلام! امروز اسلام به شما احتیاج دارد. کسانی که نیامده‌اند به جبهه برای یک بار هم که شده به جبهه بیایید تا امدادهای غیبی را ببینید. جبهه بهترین جای برای ساخته شدن است و نزدیک‌ترین جای به خداست.





### شهید ابراهیم بحرانی: دبیرستان دین و دانش - ۱۹ ساله

خیلی مشتاق بودم بهشت روی این زمین را ببینم تا این که به جبهه آمدم و آن را دیدم. تنها نامی که توانستم بر این سرزمین بگذارم بهشت بود که در بهشت جاودانه «لَا يَسْمَعُونَ فِيهَا لَغْوًا وَ لَا تَأْتِيَمًا» صحبت‌های گزاف نیست و هیچ گناهی یافت نمی‌شود و در این بهشت (جبهه) درست مانند آن است که همه به جز این که دعا می‌کنند و حضرت مهدی (عج) را صدا می‌زنند، چیز دیگری نیست.

### شهید ابوالفضل بختیاری: ۱۸ ساله

ما در راهی حرکت کرده‌ایم که نوید پیروزی مستضعفین را می‌دهد. امید داریم حرکت‌مان زمینه‌ساز ظهور عدالت‌گستر امام مهدی (عج) باشد. ما آمده‌ایم تا در این راه خون‌مان زمینه‌ساز عدالت جهان باشد. پیروزی نهایی خون‌بار لشکر پیروزمندانه اسلام این واقعیت را ثابت کرد که خون بر شمشیر و ایمان بر سلاح و معنویات بر تمدن پوشالی غرب و شرق پیروز می‌شود.

### شهید مصطفی پورعزیزی: ۱۷ ساله

از جوان‌های عزیز می‌خواهم که به جبهه‌ها خدمت بیشتری بنمایند و همین‌طور مردم غیور و مسلمان که بحمدالله تا به حال امتحان خود را خوب پس داده‌اند و باید همین‌طور ادامه بدهند، این امتحان بزرگ الهی را تا انشاءالله از این امتحان روسفید بیرون آیند.



### شهید محمد عبدالمالکی: آیت‌الله کاشانی - ۱۶ ساله

این جنگ یک نعمت خیلی بزرگی بود برای ملت ما و این شهیدان باعث افتخار و سرافرازی ملت ماست که چقدر خداوند از جوانان ما را می‌پذیرد و شهادت را نصیب‌شان می‌کند.

### شهید ولی‌الله بیات: دبیرستان امام صادق (علیه السلام) - ۱۶ ساله

جبهه برای من یک دانشگاه است و خیلی چیزها را که نمی‌دانستم در اینجا یاد گرفتم.

### شهید حسین تاجیک: دبیرستان دین و دانش - ۱۸ ساله

پدران و مادران! بگذارید فرزندان‌تان به مقام رفیع شهادت نائل شوند، بگذارید جوانان‌تان از این محبت الهی بهره‌مند گردند. نگذارید آنان در این لجن‌زار زندگی مدفون شوند. آنها را از رفتن به جبهه‌ها منع نکنید. اگر آن مرزنشین غیور می‌دانست که روزی جنگی واقع می‌شود و شما از رفتن به جبهه سرباز می‌زنید و عذر و بهانه می‌آورید، هیچ وقت در آنجا ساکن نمی‌شد. مگر نه این است که مرز کشور مرز همه ماست. پس چرا از کمک به آنان دریغ می‌کنید. باید هر چه او دارد و تو داری روی هم گذاشته و با هم زندگی نمایید. اگر جنگ‌زده، آواره گشت، تو آواره گشته‌ای. من این را خطاب به آنان که از کمک کردن به هم‌وطنان جنگ‌زده سرباز می‌زنند، می‌نویسم. ما جنگ‌های زیادی در پیش داریم و این جنگ ما را به هم نزدیک می‌گرداند.



■ وصایای شهدای دانش آموز استان قم

**شهید محمود پناهی فر:** دبیرستان امام صادق (علیه السلام) - ۱۸ ساله  
برادران و خواهران! ما رفتیم؛ ولی شما سنگرها را پر کنید و نگذارید  
جبهه‌ها خالی بماند؛ همان طور که تا به حال خالی نمانده است.

**شهید مجتبی اسکندری حصارى:** دبیرستان صدوق - ۱۷ ساله  
با ستادها همکاری کنید. یک عدد پتو که من از منزل به مسجد رسول  
اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم) برده‌ام آن را پس بگیرید؛ بگذارید آنجا باشد.

**شهید محسن انصاری:** ۱۹ ساله  
این جنگ برای ما نعمت بود و خیر و صلاح شما در این جنگ بود و  
همان طور که تا به حال شما ملت الهی در صحنه بوده و پشت جبهه  
عرض ارادت کرده‌اید و در حقیقت جبهه را شما و فرزندان شما اداره می-  
کنید از این به بعد نیز هر چه استوارتر و مستحکم‌تر در صحنه باقی  
بمانید که اجر این همه ایثارگری و کوشش نزد خداوند متعال محفوظ  
است و مصیبت‌ها و سختی‌ها هرگز شما را سست ننماید که پایان شب  
سیه سپید است.

**شهید مصطفی طاهری مطلق:** ۱۹ ساله  
حقیقتاً جبهه دانشگاه انسان‌سازی است.

**شهید محمد عبدالمالکی:** آیت‌الله کاشانی - ۱۶ ساله  
جبهه یک کارخانه انسان‌سازی و در اصل یک نعمتی است برای ملت ما.



**شهید محسن ابراهیمی:** دبیرستان امام صادق (علیه السلام) - ۱۶ ساله  
برادران حزب‌الله! بشتابید به سوی جبهه‌ها. به خدا قسم هر کسی در این  
دانشگاه الهی شرکت نکند، بزودی پشیمان خواهد شد.

**شهید مرتضی احمدی نیا:** ۱۶ ساله  
از برادرم می‌خواهم راه مرا ادامه دهد و اسلحه به زمین افتاده من را  
بردارد تا سنگر و جبهه خالی نماند.

**شهید علی بابا یوسفی:** دبیرستان امام صادق (علیه السلام) - ۲۰ ساله  
از شما می‌خواهم که از جنگ تا پیروزی و رفع فتنه در عالم حمایت کنید.

**شهید محمد صفایی حائری:** ۱۸ ساله  
امام حسین (علیه السلام) فرمود: «إِنَّ الْحَيَاةَ عَقِيدَةٌ وَجِهَادٌ» و در بحبوحه  
نبرد عاشورا فرمود: «من مرگ خونین را از زندگانی ننگین و در زیر سایه  
جباران و ظالمان، شرافتمندانه‌تر می‌دانم و ترجیح می‌دهم». حال سخن  
این است که تا وقتی زندگی بتواند گسترش عقیده‌ی صحیح باشد و  
حکومت ظالمی نباشد، احتیاجی به جهاد نیست و می‌شود زندگی را توأم  
با عقیده کرد؛ ولی این گونه زمان‌ها بسیار کم است و این که امام  
صراحتاً می‌فرماید زندگی توأم است با عقیده و جهاد، به خاطر این است  
که بفهماند انسان معتقد، نمی‌تواند زیر بار ستم برود. و نیز نشان‌گر این  
است که همیشه در طول تاریخ دو طیف حق و باطل بوده است که هر  
دو، یک خط مشی بخصوصی داشته و جبهه حق نیز طبق صریح آیه  
قرآن، ملزم به مسلح کردن خویش در قبال دشمنان دین است: (وَ أَعِدُوا



لَهُمْ مَا اسْتَطَعْتُمْ مِنْ قُوَّةٍ (و) ... حال بیاییم سر مطلب خودمان، جنگ‌ها نیز، همان صف‌بندی‌های بیلیان در مقابل قابیلیان و حسینیان در مقابل یزیدیان است؛ همان خیانت‌ها و دیانت‌ها در جبهه باطل و حق جلوه کرده است و می‌کند. و همان ایثارها و جانبازی‌ها در مردان خدا جلوه می‌کند. و همان قساوت‌ها و عداوت‌ها و قتل و غارت‌ها در لشکریان شیطان نمایان شده است. جنگ ما دفاع از حیثیت و شرف و ناموس خویش است و تنها جرم‌مان این است که خواهان صدور و عمل به احکام اصیل و ناب اسلام و رسول خدا هستیم. همان طور که امام فرمود «ما سر جنگ با کسی نداریم؛ ولی دهان متجاوز را خرد می‌کنیم». در ابتدای قیام و انقلاب به سر و سامان دادن اوضاع مملکت مشغول شدیم، لیکن معاندین با دین و انقلاب و آرمان نگذاشتند. هر توطئه‌ای، فاجعه‌ای و بالاخره جنگ طویل؛ ولیکن انسان‌ساز را به راه انداختند. هر چند جنگ خساراتی چه مالی و چه جانی در بر داشت؛ ولی اگر عمق و معنا و حقیقت مطلب را بنگریم، خواهیم دید که به فرموده امام امت، «این جنگ برای ما نعمت بوده است»، زیرا شهادت که به فرموده امام عزیزمان، پیروزی بزرگ‌تر از پیروزی ظاهری است، نصیب کثیری از جوانان شد. و علاوه بر این چه بسیار انسان‌ها که راه حقیقی کمال را یاد گرفتند و پیمودند تا به شهادت رسیدند و یا از انسان‌های واقعاً عارف به حق خداوند شدند. و دیگر این که دشمن را متنبه کردند و حقانیت و مظلومیت انقلاب و مردم را به جهانیان فهماندند. به هر حال وقتی که جنگ شروع شد. بر ملت ما نیز دفاع واجب شد و ما مطیع رهبریم هر آنچه او بگوید همان را خواهیم کرد. امام فرمودند: «باید ریشه‌ی صدام و حزب بعث خشکانده شود. باید صدام از منطقه محو شود. باید اسلام



پیروز شود. اگر ایران در جنگ شکست بخورد اسلام آنچنان سیلی خواهد خورد که تا مدت مدیدی سر بلند نخواهد کرد.» حال ما می‌گوییم چون امام فرمود: «هدف، آزادسازی قدس است» و لیکن بدون رفع شر صدام و حزب بعث نمی‌توانیم، لذا تا آزادسازی قدس خواهیم جنگید که قرآن فرمود: (و قَاتِلُوهُمْ حَتَّى لَا تَكُونَ فِتْنَةً) و بزرگ‌ترین فتنه، ظهور و حضور یهود جحود، که پیغمبر و قرآن، ایشان را بدترین دشمنان اسلام معرفی کرده‌اند، می‌باشد و تا محو اسرائیل از پا نخواهیم نشست و قرآن فرمود: (وَ قَاتِلُوا أُمَّةَ الْكُفْرِ) و رأس همه کفار در اینجا اسرائیل است و چون در پیشاپیش اسرائیل، ضدّ اسلامیان ملبس به اسلام صف‌بندی کرده‌اند، لذا بر ما واجب است که در ابتدا آنان را از سر راه خود دفع کنیم و بعد به مصاف جنگ با اسرائیل برویم و وای بر روزی که برای حفظ جان، راضی به تسلط یهودیان تشنه به خون مسلمانان و غده‌ی سرطانی در تمام ملل مستضعف بر مردم جهان شویم. آری این است معیار ما در جنگ و جهاد و دفاع‌مان.

### شهید مرتضی احمدی نیا: ۱۶ ساله

جبهه‌ها را هم خالی نگذارید. با کمک‌های نقدی و جنسی شما، روحیه‌ی رزمندگان بالا می‌رود. و خواهشمندم کمک‌های خود را قطع نکنید؛ زیرا که صلح با دشمن ننگ است و خون شهدا پایمال می‌شود.

شهید محمد عبدالمالکی: آیت‌الله کاشانی - ۱۶ ساله



■ وصایای شهدای دانش آموز استان قم

من هم در این مدت بر خودم دیدم که جبهه احتیاج به خون دارد. درخت اسلام باید آبیاری شود تا گل بدهد. خداوند این سعادت را به ما داد تا به جبهه شتافتم و از گناہانی که در شهر می‌کردیم که به والله قسم می‌خورم که محیط خیلی بر انسان تأثیر می‌گذارد و خلاصه از آن محیط نجات پیدا کردیم.

**شهید سید مرتضی شریفی:** دبیرستان ملا صدرا - بخش کهک - ۱۷ ساله  
شما باید جبهه‌ها را گرم نگه دارید و همچنین پشت جبهه‌ها را.

**شهید محمود سلطان زاده:** ۱۹ ساله  
بچه‌های تان را طوری تربیت کنید که آماده جان دادن در راه خدا باشند.

**شهید سید محمد جواد جوادزادگان:** ۱۷ ساله  
من از کسانی که خود را وارث خون شهیدان می‌دانند، تقاضا مندم که اسلحه من را که بر زمین افتاده برگیرند؛ مخصوصاً برادران عزیزم محمود رضا، حسن و حسین و به ندای «هل من ناصر ینصرنی» امام پاسخ دهند.

**شهید مصطفی طاهری مطلق:** ۱۹ ساله  
از دوستان عزیزم تقاضا می‌کنم که جبهه‌ها را خالی نگذارید.

**شهید ولی رسولی:** ۱۹ ساله



ای جوانان! نکند در رختخواب ذلت بمیرید که حسین (علیه السلام) در میدان نبرد شهید شد.

مبادا! در حال غفلت بمیرید که علی (علیه السلام) در محراب عبادت شهید شد.

و مبادا! در حال بی‌تفاوتی بمیرید که علی‌اکبر حسین (علیه السلام) در راه پدرش و با هدف شهید شد؛ آن هم هدفی که همه‌ی دانشمندان جهان نمی‌توانند وصف و ارزش آن را درک کنند.

### شهید عباس رازینی: هنرستان فنی قدس - ۱۹ ساله

دوستان و همکلاسان عزیز! در طلب علم بکوشید و به جبهه‌ها نیز اعزام شوید و فقط به شعار اکتفا نکنید. پشت میزها نشستن و جنگ جنگ تا پیروزی گفتن جنگ را پیش نمی‌برد. ما باید سرنوشت جنگ را در میدان جنگ تعیین کنیم. البته امیدوارم این آخرین عملیات ایران باشد و به زودی زود به کربلا برسیم.

### شهید محمد تقی کلهری: دبیرستان امام صادق (علیه السلام) - ۲۰ ساله

من از تمامی دوستان و برادران می‌خواهم نگذارند این سلاح‌ها که با خون شهیدان به دست آمده بر زمین بیفتند و از شما می‌خواهم که به جبهه‌ها هجوم ببرید و نگذارید که امام دستور جهاد دهد و یا بگوید وجود شما در جبهه واجب است. قبل از این که امام بر شما واجب کند شما خود به استقبال جنگ و سعادت و بالاخره پیروزی یا شهادت بروید.





### شهید محمود سلطان زاده: ۱۹ ساله

بیایید قبل از آن که از دیگران توقع داشته باشیم و قبل از آن که بگوییم دیگران چه کرده‌اند، بگوییم خود چه کرده‌ایم و دیگران را با عمل خود دعوت به مجاهدت در راه خدا کنیم.

### علی محمد بابایی: ۱۷ ساله

همان طور که امام فرمودند جنگ را سرلوحه امور خود قرار دهید.

### شهید محمد صفایی حائری: ۱۸ ساله

همکلاسی‌هایم! شما دانش‌آموزان در پشت جبهه دو هدف کلی بیشتر ندارید؛ ولی دانش‌آموزان جبهه دارای چندین هدف‌اند.

اهداف شما: ۱- درس خواندن. ۲- به کار بستن دروس برای این مملکت.

و اما اهداف اینان: ۱- همانند شما درس خواندن. ۲- جهاد.

تا جهاد نباشد آیا شما می‌توانید درس بخوانید و آیا می‌توانید به کار ببندید؟ پس تا می‌توانید به جبهه بیایید تا اول در اینجا احتیاجات را بر طرف کنید، سپس به ادامه اهداف‌تان پردازید.

و اما سخن دیگرم، هرگز دست از درس‌تان برندارید و همچنین جهاد؛ چرا که این دو چیز لازمه پیروزی و عظمت اسلام است. تا اسلام احتیاج دارد، جبهه‌ها و سنگرهای دیگر درسی را پر کنید که ما هر چه داریم از اسلام است.



**شهید سید مرتضی شریفی:** دبیرستان ملا صدرا - بخش کهک - ۱۷ ساله  
ای مردم! شما هم از پشت جبهه کوشش کنید.

**شهید محمد عبدالملکی:** آیت‌الله کاشانی - ۱۶ ساله  
فکر جبهه‌ها باشید.

**شهید سید جواد کربلایی حسینی:** دبیرستان هدایتی - ۱۹ ساله  
جبهه؛ مدرسه عشق و دانشگاه خودسازی است. انسان به سوی اهداف اصلی سوق پیدا می‌کند. آسان از میان روح بیرون آمده و با معنویات سر و کار دارد. شیطان در جبهه راه ندارد. جبهه محل دیدار ائمه (علیهم السلام) است. به خدا روز امتحان است هر چه مصیبت بیشتر اجر و پاداش بیشتر و عذاب آخرت کمتر است.

**شهید احمد رنجبر:** ۱۷ ساله  
به صدام و صدامیان ثابت خواهیم کرد که ما مرد جنگیم و تا آخرین قطره خون خود از خاک کشور اسلامی مان دفاع خواهیم کرد.

**شهید ولی رسولی:** ۱۹ ساله  
شما ای مادران! مبادا از رفتن فرزندان‌تان به جبهه جلوگیری کنید که فردا در محضر خدا نمی‌توانید جواب زینب (علیها السلام) را که تحمل ۷۲ تن شهید را نمود، بدهید.



### شهید مهدی دانش: ۱۶ ساله

این جنگ را تا پیروزی کامل اسلام و شکست کامل کفار ادامه داده و کربلا را از دست بعثیون نجات دهید.

### شهید عباس یزدانی: ۱۷ ساله

مبادا جبهه نیرو بخواهد و شما نروید

### شهید محمد حسین دهقانی تفتی: ۱۷ ساله

کسانی که توانایی رفتن به جبهه‌ها را دارند، بروند و کسانی که توانایی رفتن را ندارند در پشت جبهه به جنگ کمک کنند تا پرچم پر افتخار اسلام در سرتاسر جهان برافراشته شود. انشاءالله.

### شهید محمد کارگرسورکی: مدرسه فردوسی - ۱۷ ساله

تن ناقابل من ارزش گریه کردن شما عزیزان را ندارد؛ زیرا راه حسین(علیه السلام) و دایی عزیزم را ادامه دادم. اکثر جوانان هنگامی که در این زمان حس می‌کنند که تنهایی به آنها دست می‌دهد، هوای جبهه به سر آنها می‌زند؛ ولی امیدوارم ما از آن جوانان نباشیم. موضوع دیگر این که اگر بعد از مردن من احمد هم برای رفتن به جبهه اقدام کرد، امیدوارم که با او مخالفت نکنید؛ زیرا انسان روزی می‌میرد و به صورت خاک درمی‌آید، پس چه بهتر که در این راه، شهادتی نصیب خود گرداند. روحیه‌ی شما باعث دلگرمی هم‌وطنان می‌شود.



## شهید محسن انصاری: ۱۹ ساله

نکند خدای نکرده اگر عدم موفقیتی در نبرد مقدّس‌مان که دفاع از اسلام عزیز و مرزهای اسلامی است، نصیب‌مان شود، کمترین ناراحتی و سستی بر خود راه دهیم، چرا که ما در مرحله حسّاسی واقع شده‌ایم که آزمایشات خداوند نیز مشکل است و باید از خودش بخواهیم که ما را از این آزمایشات سربلند بدر آورد. انشاءالله.

ببینیم در این رابطه قرآن، حلال مشکلات، چه می‌فرماید:

اعوذ بالله من الشیطان الرجیم

(إِنْ يَمْسَسْكُمْ قَرْحٌ فَقَدْ مَسَّ الْقَوْمَ قَرْحٌ مِثْلَهُ وَ تِلْكَ الْآيَاتُ نَدَاوِلَهَا بَيْنَ النَّاسِ وَ لِيَعْلَمَ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا وَ يَتَّخِذَ مِنْكُمْ شُهَدَاءَ وَ اللَّهُ لَا يُحِبُّ الظَّالِمِينَ).

اگر به شما (در جنگ احد) آسیبی رسید به دشمنان شما نیز (در بدر) شکست و آسیب سخت رسید، چنان که آنها مقاومت کردند، شما نیز باید مقاومت کنید. این روزگار را به اختلاف احوال (گاهی فتح و غلبه و گاه شکست) میان خلائق می‌گردانیم که مقام اهل ایمان به امتحان معلوم شود، تا از شما مؤمنان آن را که ثابت در دنیا است (مانند حضرت علی(علیه السلام) گواه دیگران کند، خداوند ستمکاران را دوست ندارد.

توجه دارید که خداوند چقدر واضح و روشن بیان فرمود که روزگار را به اختلاف احوال (شکست و غلبه) میان خلائق می‌گردانیم که مقام اهل ایمان معلوم شود و در نتیجه اگر برای ما ناموفقیت‌هایی بوده یا احیاناً در آینده باشد هیچ ناراحتی به خود راه ندهید که نمی‌دهید و این را به حساب امتحان خدا بگذارید و توکل‌تان بر خدا زیاد شود و این را بدانید که به نصّ صریح قرآن مجید: (و لِيَمْحَسَّ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا وَ يَمْحَقَ الْكَافِرِينَ).



و تا آن که (به این اختلاف) اهل ایمان را از هر عیب و نقص پاک و کامل کند و کافران را به کیفر ستمکاری محو و نابود گرداند. پس توجه دارید که برای خداوند قادر نابودی کفار آسان است و اصلاً کاری ندارد و هر گاه اراده کند کفر را محو خواهد کرد، لیکن برای امتحان اهل ایمان است و واگذار کردن کافران به خودشان است که گاهی سختی و مصیبت متوجه مسلمین می‌شود، و بالأخره پیروزی نهایی از آن مسلمین است. مطمئن باشید و با قدرت تمام بر کفار بتازید.

### شهدای گلوردی: دبیرستان صدر - ۱۹ ساله

جوانان عزیز! جبهه را ترک نکنید. مبدا شیطان شما را وسوسه کند.

### شهدای محمدحسین حسین پورعلوی: آیت‌الله کاشانی - ۱۹ ساله

به پیروی از مولای متقیان علی (علیه السلام) که جهاد را عزت اسلام می‌دانست، من هم بر اساس فرموده‌ی حضرت علی (علیه السلام) جبهه و جنگ و دفاع و جهاد را عزت و این عزت را افتخار خود می‌دانم و تا آخرین نفس و تا آخرین قطره‌ی خون برای حفظ مجد و عظمت و عزت اسلام می‌جنگم و از خدا می‌خواهم که به من توفیق دهد تا در این جبهه‌ها تزکیه شوم و از این تزکیه بیشتر به او نزدیک شوم.

### شهدای سید جواد کربلایی حسینی: دبیرستان هدایتی - ۱۹ ساله

شماها که پسران تان را به جبهه نمی‌فرستید، از خدا بترسید. از روز قیامت بترسید. از حضرت زینب (علیها السلام) خجالت بکشید.



### شهید محمدحسین دهقانی تفتی: ۱۷ ساله

فقط دعا به جان امام و دعا برای پیروزی رزمندگان و کمک به آنها را از یاد نبرید که امام عزیزمان فرمودند: «امروز جنگ در رأس همه امور است.»

### شهید فیروز کریمی زرکانی: ۱۸ ساله

به فکر رزمندگان اسلام باشید. مبدا فراموش کنید که ما در جنگ هستیم و این رزمندگان به یاری و کمک شما ملت ایران احتیاج دارند.

### شهید سید محمد جعفری تنها: ۱۵ ساله

از برادران عزیز می‌خواهم که جبهه‌ها را خالی نگذارند و تا آزادی جهان از زیر یوغ استکبار و آمدن به مکتب جهانی اسلام مبارزه کنند.

### شهید سید جواد کربلایی حسینی: دبیرستان هدایتی - ۱۹ ساله

از بزرگان به ویژه پدر و مادران محترم درخواست دارم که به جوانان خود اجازه شرکت در جبهه را بدهند و چه نیکوست که آنان خود عزیزان خویش را رهسپار میدان نبرد کنند که در این صورت درود خدا و ملائک بر آنان باد.

### شهید علیرضا ناهیدی: مدرسه شهید ابراهیم ابراهیمی - ۱۸ ساله

از همه برادران می‌خواهم که اگر عذری ندارند از این فیض (جهاد) بهره‌مند شوند و بدانند طبق احادیث رسیده پیروزی از آن اسلام است.



### شهید حسین محمدی کیلوايي: ۱۷ ساله

به هوش باش که اگر لحظه‌ای بر خود نیایی تا ابد نخواهی فهمید. هر چه زودتر تصمیمت را بگیر و حرکت کن که لحظه‌ای دیگر دیر است.

### شهید محسن انصاری: ۱۹ ساله

ای عزیزانی که جان بر کف نهاده و برای اسلام جان فشانی می‌کنید! بدانید که این توفیق خداوند متعال بوده که توانسته‌اید به این مکان‌های مقدس بیایید و در راه خدا جهاد کنید و هر کس لیاقت این را نخواهد داشت چرا که: «إِنَّ الْجَهَادَ بَابٌ مِنْ أَبْوَابِ الْجَنَّةِ فَتَحَهُ اللَّهُ لِخَاصَّةِ أَوْلِيَائِهِ». جهاد دری است از درهای بهشت که خداوند آن را برای اولیای مخصوصش باز کرده.

ای عزیزانی که حقیقتاً آرزوی حضور در کربلا، در جوار ابا عبدالله (علیه السلام) را داشتید، این کربلا و این حسین (علیه السلام) زمان، بشتایید که تا عقب نمانید و شما ارزش خود را بدانید.

نکته‌ای را به عنوان تذکر عرض می‌کنم، گمان نکنید حال که به جبهه آمدید و مشغول جهاد در راه خداوند می‌باشید دیگر امتحان نمی‌شوید؛ چرا که خداوند متعال اینجا نیز شما را امتحان می‌کند، چنانچه می‌فرماید: (وَلِنَبِّئَكُمْ بِشَيْءٍ مِنَ الْخَوْفِ وَالْجُوعِ وَنَقْصٍ مِنَ الْأَمْوَالِ وَالْأَنْفُسِ وَالثَّمَرَاتِ وَبَشِّرِ الصَّابِرِينَ) (بقره آیه ۱۵۵)

و البته شما را به سختی‌ها، چون ترس و گرسنگی و نقصان اموال و نفوس و آفات زراعت بیازماییم و بشارت و مژده‌ی آسایش از آن سختی‌ها بر صابران است.



شما ای عزیزان! توجه دارید که این مشکلات آزمایش الهی است و اگر احياناً ترس یا گرسنگی و کمبود از نظر تدارکاتی متوجه شما شد، این را به پای امتحان الهی بگذارید و هر چه محکم‌تر و استوارتر در مقابل کفر بایستید؛ چرا که هدف ما بسی عظیم‌تر از این مسائل است و در همه حال توکل تان فقط بر خدا باشد و لا غیر.

به کثرت مهمات و سلاح و نیرو امید نبندید و همان طور که تا به حال نداشته‌اید. و بدانید که خداوند است که قادر مطلق است و فقط از خداوند تبارک و تعالی یاری بخواهید چرا که: (إِنْ يَنْصُرْكُمْ اللَّهُ فَلَا غَالِبَ لَكُمْ) اگر شما را خدا یاری کند محال است کسی بر شما غالب آید. و توکل تان فقط به خداوند متعال باشد؛ (وَ عَلَى اللَّهِ فَلْيَتَوَكَّلِ الْمُؤْمِنُونَ). و اهل ایمان تنها به خدا (و قدرت و رحمت او) باید اعتماد کنند.

### شهید خالد محلاتی: دبیرستان امام صادق (علیه السلام) - ۱۸ ساله

به جبهه بیابید و در جهاد اکبر و اصغر؛ جهاد با هواهای نفسانی و جهاد با دشمنان اسلام شرکت کنید؛ چون که جبهه محور خودسازی است.

### شهید علیرضا گنجی پور: ۱۷ ساله

وصیت من این است که پشت جبهه‌ها را خالی نگذارید و کمک به جبهه و رزمندگان اسلام بنمایید که انشاء الله پیروز خواهیم شد.

### شهید احمد ملک محمدی: ۱۸ ساله

جبهه‌ها را با گرمی پذیرا باشید.





■ وصایای شهدای دانش آموز استان قم

**شهید محمدتقی کله‌ری:** دبیرستان امام صادق (علیه السلام) - ۲۰ ساله  
من کوچک‌تر از آنم که برای شما نصیحت و یا اندرز داشته باشم؛ ولی می‌دانم پیام خون شهیدان و پیام خون امام حسین (علیه السلام) این است که برخیزید و به رهبری امام خمینی تمامی ملل مسلمان را از یوغ استعمارگران نجات دهید و پرچم جمهوری اسلامی را بر فراز کاخ واشنگتن و ... به اهتزاز درآورید و نشان دهید قدرت حقیقی اسلام را به تمامی کافران و متجاوزین دنیا.

**شهید عباس یزدانی:** ۱۷ ساله  
باز هم می‌گویم نکند جبهه‌ها خالی بماند.

**شهید سید جواد کربلایی حسینی:** دبیرستان هدایتی - ۱۹ ساله  
ای برادرانی که در مجالس روضه‌خوانی برای ائمه (علیهم السلام) اشک می‌ریزید، غبطه می‌خورید که ای کاش ما در آن روزگار حضور داشتیم و به یاری آنها می‌پرداختیم و در راه آنها جان می‌دادیم! ای برادران! امروز نیز روزهای جنگ و امتحان است و خداوند برای صحت گفتار شما جنگ را موجب نموده تا بندگان امتحان پس دهند. پس هر چه زودتر خود را همراه با دل وارد عرصه نبرد کنید که دیگر وقت تنگ است.

**شهید حسن قربانی دولت‌آبادی:** ۱۹ ساله  
از برادران خود می‌خواهم که سلاحم را زمین نگذارند و در راه خدا به جهاد پردازند و خون مقدس شهیدان را تا پیروزی نهایی ادامه دهند.



### شهید محمد تقی کلهری: دبیرستان امام صادق (علیه السلام) - ۲۰ ساله

ای پدران و مادران! مبدا از رفتن فرزندان تان به جبهه جلوگیری کنید که در این صورت نمی‌توانید جواب امام حسین (علیه السلام) را بدهید که علی اکبر و علی اصغر (علیهم السلام) و تمامی یارانش را داد و بالاخره خودش هم رفت و شهید شد. و نمی‌توانید جواب زینب (علیها السلام) را بدهید که تحمل ۷۲ شهید را نمود و پیام آنها را به دنیا و بلکه به تمامی عصرها و نسل‌ها رسانید.

### شهید خسرو کاوندی: ۱۸ ساله

من رفتم و در راه خدا جهاد کردم و اگر خدا بخواهد شهید خواهم شد.

### شهید جلیل قاسمیان: ۲۲ ساله

ای شهید! به خون پاکت که سنگرت را رنگین ساخت. به گلوله‌ی سرینی که شبانگاه بر قلبت نشست و سینه‌ی از هم دریده‌ات، به شبنمی که صبحگاه نشسته و به دست سرنوشت که هنوز بر قبضه است، به چادر همسرت، به خمیده پدرت و به آه جانسوز مادرت و به اشکی که چون حلزونی نرم پای و سبک قدم، به چشمان کودکت که به غم نشسته و در نهایت به هدف مقدست، اگر بتوانم راحت را ادامه خواهم داد.

### شهید حسین فرزنانگان: دبیرستان امام صادق (علیه السلام) - ۱۸ ساله

اگر می‌خواهید به زودی نماز جماعت را در قدس به امامت روح خدا خمینی کبیر بخوانیم دست به دست هم دهید و از اختلاف بپرهیزید و به روی جبهه‌ها روانه شوید؛ زیرا که این جایگاه عشاق خداست.



### شهید حسن علی بابایی: ۱۶ ساله

جهاد، دری از درهای رحمت الهی است که تنها بر روی بندگان ویژه‌ی خدا باز می‌شود و پیراهن آن پاسدار اسلام رزمی آهنین است که دست فداکار آن بر اندام جوانمردهای خونگرم فعال می‌پوشاند. این جامه‌ی فاخر در زندگی لباس شرافت و پس از مرگ در بهشت خواهد بود. آری، این گلگون‌کفنان یعنی آنهایی که در راه خدا و اسلام و عدالت به خون گلوی خود رنگین می‌شود در این جهان جز افتخاری نخواهد داشت. در آن روزی که مرگ به انسان مقدر می‌شود اگر در اعماق دریاها یا بالای ابرهای انبوه مقام کند بالاخره جهان را بدرود خواهد گفت.

### شهید سید جواد کربلایی حسینی: دبیرستان هدایتی - ۱۹ ساله

از جوانان گرمی خواهش می‌کنم که کمی فکر کنند و در صورت امکان و هر چه زودتر تصمیم حضور در جبهه را داشته باشند و مبادا در خواب و غفلت دنیا را وداع گویند که علی اکبر (علیه السلام) در میدان جنگ کشته شد.

### شهید خسرو کاوندی: ۱۸ ساله

دشمن را از بین ببرید.

### شهید سید جواد کربلایی حسینی: دبیرستان هدایتی - ۱۹ ساله

از برادران خواهران که نمی‌توانند به طور مستقیم در جنگ سهمیم باشند می‌خواهم که در پشت جبهه خود را در خدمت جنگ قرار دهند و تداوم بخشی عزیزان مان در سنگرها باشید.



### شهید جلیل قاسمیان: ۲۲ ساله

خاکریزه‌های سنگین و هولناک دشمن به یاری خدا فرو می‌ریزد. من بی-  
اختیار به یاد شب‌های تار روزگرم می‌افتم. به یاد لحظه‌هایی که ابر، روی  
خورشید، را گرفته و مردانی که با حماسه‌هایشان بیدارمان ساختند.  
آری، که قلب‌هاشان در تب عشق خدا سوخت و سینه‌هایشان آماج  
گلوله‌های سربین قرار گرفت و وجودش به تلاطم افتاد و سنگرش را  
رنگین ساخت. هنوز بوی دلنواز شهادت، مشام‌ها را می‌کند و هنوز  
شهادت، قامت خون است و آنچه عظمت صد چندان می‌کند همین خون  
است و بس.

### شهید علی صادقی: ۱۶ ساله

من از برادرانم می‌خواهم چنان چه سلاح از دست من بر زمین افتاد، آن  
را برگیرند و قلب دشمن را نشانه روند.

### شهید خلیل ملکی: ۱۴ ساله

بانگ بر آورید که ای مسلمانان! برای حفظ استقلال میهن عزیز اسلامی  
ایران تفنگ بردارید و قلب دشمن را نشانه روید. دوستانم را تشویق کنید  
به جبهه بروند و خون من و هزاران شهید دیگر را از دشمن زبون بگیرید.  
(یا ایها الذین آمنوا لم تقولون ما لا تعلمون) ای مسلمانان چرا می‌گویید  
آنچه را که عمل نمی‌کنید. به گفته‌هایتان جامه‌ی عمل بپوشانید.



### شهید حسین بادی: دبیرستان آیت الله کاشانی - ۱۸ ساله

من به جایی که آرزو داشتیم، رسیده‌ام؛ زیرا در زیر سایه‌ی خداوند و امام زمان(عج) قرار دارم.

من دبیرستانم را رها کردم تا در دبیرستان دیگر درس شهادت و شجاعت و شهادت بیاموزم و در این دبیرستان که همان جبهه است کسانی مانند حزب بعث وجود دارند که باید ریشه‌ی آنها کنده شود.

من که یک دانش‌آموز هستم تا آنجا که ازم بر می‌آید کمک رزمندگان اسلام خواهم کرد و تا آخرین قطره‌ی خون خود با این کفار خواهم جنگید.

### شهید محمد غلامی: ۱۷ ساله

از آنهایی که توانایی دارند تقاضا دارم که جبهه‌ها را خالی نگذارید.

### شهید خسرو کاوندی: ۱۸ ساله

در راه خدا تا آخرین نفس بجنگید.

از پسر خواهران و برادرانم تقاضا دارم که علاوه بر درصحنه‌بودن به جبهه بیایید و بدانید اگر منتظر فردا باشید دیگر دیر است و پشیمانی.

### شهید خلیل ملکی: ۱۴ ساله

نگذارید خون شهیدان به هدر برود و هر گاه اسلحه‌ای برافتاد آن را برگزید و ستیز کنید با کفران.



### شهید مجتبی اسکندری حصارى: دبیرستان صدوق - ۱۷ ساله

از برادرهایم می‌خواهم که حتماً راه‌مان را که راه حسینی است، ادامه دهند و تا آخرین قطره‌ی خون خود با لشکریان کفر این دشمنان دین و قرآن بجنگند تا با یاری خداوند متعال دشمن را از پای درآورند.

### شهید ابوالفضل عسگری نوری: آیت‌الله کاشانی - ۱۸ ساله

هر زمان کفر و نفاق قصد نابودی اسلام و حقیقت را دارد؛ ولیکن در قبال این کافرین و منافقین این دشمنان دیرینه اسلام، مردانی ایثارگرانه مبارزه می‌کنند، مردانی که هر آن، جان خود را در کف اخلاص قرار داده و از معلول شدن و دست و پا و چشم از دست دادن واهمه ندارند. مردانی آگاه و بیدار. و حال کفری به قصد نابودی اسلام به قصد جلوگیری از صدور اسلام حقیقی به سرکردگی صدام این عمال و مهره‌ی سیا به ستیز با کشور ما درآمد. این شخص که ادعا می‌کند من قصد دارم که اسلام را به ایران صادر کنم ... و انسان که این حادثه را می‌بیند یا بشنود و حتی اگر دین نداشته باشد عزم به سوی جبهه را نکند اگر چنان چه برای او مقدور باشد مسلمان و حتی انسان نیست. اکنون که به جبهه می‌روم، یک شور و حالی غیرقابل توصیف دارم. از این که فرصت یافتم بار دیگر به جبهه جنگ بروم، خیلی خوشحال هستم و در پوست خود نمی‌گنجم؛ چرا که من در این مدت در رختخواب نمردم و توانستم بار دیگر عازم جبهه گردم و توانستم این فریضه را به انجام برسانم و این بار برایم مسلم شده که اگر توفیق به جبهه رفتن حاصل شد دیگر سالم به منزل نخواهم آمد؛ یا شهادت نصیب من خواهد شد و یا زخمی و معلول.



### شهید محمد صادق منصوریان: دبیرستان صدوق - ۱۸ ساله

این مصاف دیوصفتان و دژخیمان که بر گودی هلاکت افتاده‌اند پنجه می‌کشایند تا با قطع ریشه‌های نهال پر بال انقلاب اسلامی و پرپر ساختن گل‌های نورس آن چند روزی بر زندگی ننگین خود بیافزایند، لذا به نحوه‌های مختلف دست به عمل شده و از جنگ این آخرین حربه کثیف امپریالیسم نیز فرو گذار نمی‌کنند؛ اما وارستگان انقلاب اسلامی در اقشار گوناگون با قیامی یک‌پارچه آنچه در توان داشتند به کار بردند تا دفع تجاوز از حریم میهن اسلامی‌شان نمایند و در این میان برخی به سعادت ابدی دست یابند و عده‌ای به انتظار مانند.

کوچک‌ترین سستی در اراده خود نشان ندادند؛ بلکه با تحمل ضرباتی سخت که هر یک به تنهایی می‌توانست انقلابی را بدون استعانت و یاری الله به پرتگاه سقوط بکشاند.

در طی عملیات‌های وسیع و گسترده ضربات کوبنده‌ای بر پیکر ارتش زبون عراق، این نماینده واقعی امپریالیسم وارد ساخته و پیروزی‌ها و افتخاراتی که به زیور حماسه و ایثار آراسته بود، در اوراق زرین به ثبت رسید.

### شهید علی اعلائی: دبیرستان دین و دانش - ۱۷ ساله

برادرانم! هنگامی که خبر شهادت مرا شنیدید، جای مرا در جبهه‌ها پر کنید و نگذارید که اسلحه من به زمین بیفتد. دوستان و آشنایان عزیز! از شهادت من ناراحت نشوند.



### شهید سیدمصطفی موسی کاظمی: ۱۶ ساله

من به خاطر این به جبهه رفتم که در راه خدا پیکار کنم و کفار را کشته و یا خود به درجه رفیع شهادت نائل آیم.

### شهید حسین مالکی نژاد: مدرسه حافظ - اول راهنمایی - ۱۷ ساله

تقاضای مهمی که دارم جبهه‌ها را خالی نگذارید و هیچ موقع از جنگ خسته نشوید.

### شهید محسن بیابانی مظلوم قمی: ۱۷ ساله

ای برادرم جواد! اگر من شهید شدم راه مرا ادامه بده و اگر اسلحه من از دستم افتاد تو اسلحه را بردار و به مبارزه پرداز؛ زیرا این راه راهی است که تمام خانواده‌های شهدا چشم انتظار هستند که راه کربلا باز شود.

### شهید محسن انصاری: ۱۹ ساله

اگر عهد با خدا بسته‌اید به عهدتان وفا کرده و هیچ گونه سستی و وسوسه به خود راه ندهید؛ اگر سعادت دنیا و آخرت می‌خواهید. و ای کسانی که هنوز عهد نبسته‌اید دیگر تأخیر، تا به کی؟ این را بدانید اگر انشاءالله به زودی اسلام پیروز شده و کربلا و قدس عزیز فتح شود قطعاً تأسف خواهید خورد و دیگر پشیمانی سودی نخواهد داشت.

آگاه باشید که این گوی و این میدان این کربلای ایران و این حسین زمان و جنگ را مسأله اصلی قرار داده و با تمام توان در این راه کوشش نمایید و بدانید که نتیجه‌اش در نهایت به خودتان باز خواهد گشت و





سعادت نصیب‌تان خواهد شد و این را بدانید که نه ما لیاقت خدمت و نه توان خدمت به اسلام را داریم؛ بلکه فقط در پی سعادت خویش هستیم، چرا که جنگ و جبهه صاحب دارد، اسلام صاحب دارد. ما که هستیم که بخواهیم کمک بکنیم.

و دنیا در حقیقت محک آزمایش است پس مؤمنان راستین و سعادت خواهان بسم‌الله...

همه می‌دانیم که جنگ را کفر شروع کرد و ما در حال دفاعیم. لکن قدری به گذشته برگردیم و زمان انقلاب را بنگریم که چطور همه‌ی ملت یک‌پارچه علیه طاغوت قیام کرده و چه سختی‌ها که متحمل شدید. در حالی که می‌توانستید سر در لاک خود فرو کنید و بدون مصیبت و سختی به ظاهر به زندگی ذلت‌بار ادامه دهید. با توکل بر خدا ریشه‌ی طاغوت را کنید و نتیجه‌اش را مشاهده می‌کنید. با آن که همه به این مسأله واقف بودیم که با ریشه‌کن کردن طاغوت، ابر جنایتکاران شرق و غرب که عمری اموال این ملت محروم را به چپاول و غارت برده‌اند به این سادگی دست از ما بر نخواهند داشت، با توجه به این مسأله کراهت و ناگواری قیام و جهاد را به جان خریدید که در حقیقت خیر و صلاح شما است و تا به اینجا نتیجه‌اش را دیدید و از این به بعد نیز خواهید دید.

### شهید علی اعلائی: دبیرستان دین و دانش - ۱۷ ساله

از شما تقاضا دارم که بعد از من اگر جنگ ادامه یافت برادرم مهدی را به جبهه بفرستید تا اسلحه بر زمین افتاده مرا بردارد و به قلب دشمن حمله برد.



**شهید حمید اهوز: دوم راهنمایی - مدرسه مهدوی - ۱۵ ساله**

اینجانب حمید اهوز فرزند حسین دارای شناسنامه ۱۱۶ محل تولد قم که به طور داوطلب به جبهه جنگ حق علیه باطل اعزام شدم و هیچ کس من را مجبور نکرده بود، با رضایت پدر و مادرم آمدم.

**شهید ابوالفضل حیدریان: آیت‌الله کاشانی - ۱۷ ساله**

امت اسلامی ایران! فرزندان تان را روانه جبهه‌ها کنید و به ابرقدرت‌ها و ایادی داخلی و خارجی‌اش بفهمانید که هیچ نیرویی نمی‌تواند بر اسلام غلبه کند.

**شهید عباس رنجبر: مدرسه کسایی روستای فردو - ۱۹ ساله**

مادر و پدر و خواهر و برادر راه من را ادامه بدهید و نگذارید اسلحه من بر زمین بیافتد... کمک به جبهه را فراموش نکنید.

**شهید رضا سلمانی: مدرسه کسایی روستای فردو - ۱۶ ساله**

وصیت دیگرم به خانواده شهدا است: بدانید که فرزندان تان امانتی بودند در دست شما و این توفیق را داشته‌اید که این امانت را با دست خویش به پروردگار هدیه کنید.

خوشا به حال شما عزیزان که خدای تعالی با شما معامله کرده و خریدار جان فرزندان پاک شما بوده.

خوشا به حال شما که توفیق یافته‌اید فرزندی پاک در دامن خود پرورش داده و با دست خویش به معبود برگردانید.



**شهید محمدعلی هادی:** دبیرستان امام صادق (علیه السلام) - ۱۸ ساله  
جوانان! جبهه‌ها را ترک نکنید که جبهه دانشگاه آدم‌سازی است. ما  
مسئول خون شهیدان اسلام هستیم. ما رسالت خویش را ادا کرده‌ایم و  
الان نوبت شماست که این مسئولیت سنگین را بر دوش بگیرید.

**شهید مجید وفایی:** دبیرستان صدوق - ۱۶ ساله  
هر وقت که جبهه‌ها احتیاج به نیرو داشت با جان و دل سلاح بگیرید و  
به یاری اسلام بشتابید... مبادا در رختخواب بمیریم که علی‌اکبر  
حسین (علیه السلام) در میدان جنگ شهید شد... جبهه‌های جنگ را تقویت  
کنید.

**شهید قاسم رحیمی فردویی:** ۱۸ ساله  
از کلیه افراد که قدرت برداشتن سلاح را دارند می‌خواهم که به جبهه  
بروند و از اسلام دفاع کنند؛ چون ما مسلمانیم و وظیفه هر مسلمان عمل  
به احکام اسلام و دفاع از اسلام می‌باشد.

**شهید اسدالله فرحناک:** دبیرستان صدوق - ۲۰ ساله  
ما که روزی می‌میریم، پس چه بهتر در راه خدا با خون خون درخت  
اسلام را آبیاری کنیم.



### شهید محمد علی توکلی بینا: دبیرستان دین و دانش - ۱۸ ساله

همیشه در صحنه و جبهه‌ها حضور فعال پیدا کنید. مبادا بیگانه‌ها به خانه‌ها نفوذ کنند. به جبهه‌ها هجوم آورید که روز نشستن نیست.

### شهید محسن عسگری: ۱۶ ساله

خواهش از شما دارم، جای مرا خالی نگذارید. راه مرا ادامه دهید.

### شهید مهدی هندویان: دبیرستان صدوق - ۱۹ ساله

جبهه، دانشگاهی است به عظمت کربلا و با شاگردانی چون دژی مستحکم در مقابل کفر و الحاد و با تعلیم الهی از یاران حسینی فرزندان علی (علیه السلام) و ذریه پاک رسول الله. جبهه، عشق به الله است و فریاد "لبیک یا خمینی" گواهی زنده بر این امر و دلیلی بر نابودی ظلم و ستم است. جبهه، کلاس خودسازی و خودشناسی و مبارزه با نفس و کلاس ایمان و تقواست.

جبهه، ایمان است، جهاد و شهادت و شهامت است؛ چون معلم آن حسین (علیه السلام) است و پرچمدران آن امام زمان (عج) است و خط دهنده آن نائیش خمینی است. ای جوانان! همه‌ی تان به جبهه بیاوید و از این جبهه‌ها حداقل دیدن کنید. اخلاص را ببینید، ایمان را تماشا کنید و به جهانیان بگویید که جبهه‌های ما کلاس است، نعمت است، دانشگاه است.



### شهید عباسعلی مرادی کوشکی: ۱۹ ساله

جبهه‌ها و پشت جبهه‌ها را گرم نگه دارید... رزمندگان اسلام را دعا کنید.

### شهید محسن خوشگفتار: ۲۰ ساله

دوستان! عزیزان! جبهه، میعادگاه عاشقان الله و تجلی بخش قلب رزمندگان است. جبهه، جایگاه حضرت مهدی (عج) است. جبهه، جای عارفان است...

ای برادر! ای همسنگرم! ای هم‌رزمم، ای دوستم! اینک سلاح خون گرفته‌ی مرا بگیر و قلب کثیف مزدوران را نشانه رو که هنگام نبرد است و معشوق عاشق می‌طلبد.

### شهید مجید میوه‌چی: دبیرستان دین و دانش - ۱۷ ساله

ما به جبهه احتیاج داریم نه جبهه به ما، زیرا انسان در جبهه، خود ساخته می‌شود.

### شهید حسین حمیدی: دبیرستان صدوق - ۱۸ ساله

جبهه‌ها را گرم نگه دارید. استقامت کنید که پیروزی از آن ماست. مبدا زنده باشید و اسلام شکست بخورد.

### شهید ابوالفضل عابدی: دبیرستان صدوق - ۱۹ ساله

جبهه‌ها را فراموش نکنید.



### شهید سید حسین سید ابراهیمی: ۱۷ ساله

ای امت اسلام! آستین‌ها را بالا بزنید و از جنگ و شهادت در راه خدا مترسید و بر امپریالیست‌های شرق و غرب و اسرائیل تجاوزگر بشورید...  
برادرانم! بیایید، آنهایی که می‌توانید در جبهه‌ها خدمت کنید، به ندای امام لبیک گوید و به سوی جبهه‌ها هجوم آورید و شعار معروف یا زیارت یا شهادت را تحقق بخشید که فقط شعار نباشد؛ بلکه عمل هم به دنبال داشته باشد. بیایید که خدا را در جبهه‌ها می‌شود دید و ائمه را در اینجا می‌توان ملاقات کرد. در ضمن از سنگر مدرسه هم حراست کنید و آنجا را نیز خالی نکنید، گرچه من خودم در این امر کوتاهی کردم؛ ولی توصیه می‌کنم که شما در عین حالی که جبهه‌ها را پر می‌کنید، مدارس را نیز حفظ کنید که دشمنان و منافقین و شکست خوردگان داخلی نتوانند نفوذ کرده و جوانان را منحرف سازند.

### شهید ابوالقاسم تلخابی: ۱۶ ساله

شما امت حزب‌الله باید جبهه‌ها را پر کنید...  
شما ای پدران! نکند از رفتن فرزندان به جبهه آنها را منع کنید که در فردای قیامت نزد حضرت علی (علیه السلام) سرافکنده خواهید بود.  
و شما ای مادران! نکند از رفتن فرزندان‌تان به جبهه خودداری کنید، زیرا فردای قیامت پیش حضرت زینب (سلام الله علیها) سرافکنده خواهید بود که در کربلا تحمل ۷۲ شهید نمود.



### شهید محمد کاظمی: ۱۷ ساله

همان طور که می‌دانید «الجهاد عماد الدین» جهاد ستون دین است، مانند نماز در اینجا، بارها گفته شده که بسیار از علما قبلاً در حسرت جهاد ماندند و فوت کردند. ای کسانی که وصیت مرا می‌شنوید نکند خدای ناکرده بتوانید به جبهه بیایید و نیاید! نکند خدای ناکرده شعار جنگ تا پیروزی را بدهید؛ ولی هرگز پای‌تان به جبهه نرسد. سختم با آنان است که در خوابند و از این نعمت بزرگ الهی محرومند. در سوره توبه به کسانی که فکر آتش جنگ به ایشان اجازه نمی‌دهد به جهاد در راه خدا بروند خطاب می‌شود که آتش جهنم سخت‌تر از آتش جنگ است. این فقط یک ثواب جهاد بود چه برسد به ثواب شهادت.

### شهید ابوالفضل مرادی کوشکی: ۲۱ ساله

دوستان! تا آنجا که توان در بدن دارید در جبهه‌ها حضور فعالانه داشته باشید که شهیدان در انتظار روز فتح کربلا و آزادی قدس هستند. مبادا خسته شوید و سختی‌ها در وجودتان رخنه کند! محکم و استوار باشید تا فتح نهایی...

برادران! جای مرا در جبهه پر کنید و تفنگم را بر دوش بکشید و در راه خدا جهاد کنید و شما باید همانند زینب (سلام الله علیها) پیام‌رسان خون شهدا باشید که همانا موجب شادی روح‌شان می‌گردد.



### شهید غلامرضا سعادت‌ی منفرد: ۱۶ ساله

ای امت اسلام! ای تک درخت دوستی به خود آی، فرصت را غنیمت دار  
که فردا دیر است. علم مبارزه بر دوش گیر و ره حسین(علیه السلام) بپوی تا  
به شفاعت حسین(علیه السلام) برسی و به دیدار مولایمان حسین(علیه السلام)  
ناائل شوی!





## شهادت طلبی

### شهید علی محمد بابایی: ۱۷ ساله

راهی که ما رفته‌ایم؛ راهی است پر از حوادث گوناگون که همه گونه احتمالی در این راه است، خوشا به سعادت کسانی که در این راه حداکثر استفاده را می‌برند و به پیش خداوند می‌روند و به ضیافت‌الله می‌شتابند. من هم اگر سعادت‌ی پیش آید و شهید شدم در غم من عزاداری نکنید که طبق آیه شریفه قرآن که می‌فرماید:

«وَلَا تَحْسَبَنَّ الَّذِينَ قُتِلُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ أَمْوَاتًا بَلْ أحيَاءٌ عِنْدَ رَبِّهِمْ يُرْزَقُونَ.»  
گمان مبرید کسانی که در راه خدا کشته می‌شوند مرده‌اند؛ نه بلکه آنان زنده‌اند و در نزد خدای‌شان منتعم می‌شوند به نعمتهای او.

و هر چند که من لیاقت این سعادت‌های عظیم را ندارم به هر حال این راه امتحانی است الهی که در این راه خالصان از ملعون‌ها و منافقین دورو جدا می‌شوند و شناخته می‌شوند.



**شهید محمدحسین حسین پورعلوی:** آیت‌الله کاشانی - ۱۹ ساله  
از تو می‌خواهم که اول عمر ما را ختم به شهادت بگردان.  
خدایا! ما مشتاق شهادت هستیم، پس ما را لایق به شهادت بگردان.

**شهید حسن حاج غفاری:** ۱۷ ساله  
خدایا! شهادت در راه خودت را نصیب ما گردان که شیرین‌ترین مرگ‌ها  
است.

**شهید محسن اعرابی جوشقانی:** ۲۱ ساله  
با کمال میل و آرزو خواهان خدمت در راه اسلام می‌باشم و این راه را  
ادامه می‌دهم، انشاءالله تا خدا شهادت را که منتهای آرزوی من است  
نصیب کند.

**شهید محمدحسین تقوی آزاد:** ۱۸ ساله  
خدایا! سپاس بیکران بر تو پروردگار جهانیان که جان ناقابل من را  
گران‌بها خریدی و من را به بزرگ‌ترین آرزوهایم که برای رسیدن به آن  
لحظه شماری‌ها کرده بودم رساندی!

**شهید حسین بادی:** دبیرستان آیت‌الله کاشانی - ۱۸ ساله  
از پدر و مادر خود تقاضا می‌کنم اگر من شربت شهادت را چشیدم برای  
من جشن بگیرید نه گریه و زاری.



### شهید مصطفی زبیدی: آیت الله کاشانی - ۱۷ ساله

اماما! از تو می‌خواهم دعای شهادت در راه خدا را برای من بکنی تا این که در راه خدای بزرگوار به جهاد اکبر و جهاد علیه مستکبران برویم و نیز به آرمان و آرزوی من همانا شهادت در راه خدا برسیم.

### شهید دولی الله بیات: دبیرستان امام صادق (علیه السلام) - ۱۶ ساله

شاید که دیگر من بر نگشتم؛ زیرا هر لحظه امکان شهید شدن می‌باشد؛ هر چند که شهادت نصیب هر کسی نمی‌شود، امیدوارم که این سعادت نصیبم گردد؛ زیرا که انسان یک روز به دنیا می‌آید و یک روز هم از دنیا می‌رود پس چه بهتر که در راه خدا بمیرد که این بهترین مرگ است.

### شهید ابراهیم بحرانی: دبیرستان دین و دانش - ۱۹ ساله

من هم اکنون تمام اعضا و جوارح بدنم را آماده کرده‌ام و چنان در این راه پیش خواهم تاخت تا این که خدایم به بنده‌اش بنزد که (فَتَبَارَكَ اللهُ أَحْسَنُ الْخَالِقِينَ) که اگر شهادت به من رسید و من را در سایه رحمت خود گرفت، برادرم پرخروش و عاشق‌تر از من بر پیشانی من بوسه خواهد زد و نگاهی به چشمان باز و لب‌های گویایم خواهد زد و راز چهره‌ام را خواهد دانست.

نگاهی به خون‌های جاری از بدنم انداخته و همچون شهبابی کوبنده‌تر، همچون درختی توخالی از جای برخواید کند... این رسالت ماست و حسین (علیه السلام) این را به ما آموخته.

**شهید محمد تقی امین: دبیرستان صدوق - ۱۷ ساله**  
شهادت آرزوی من است.

**شهید احسان پورمیدانی: ۱۹ ساله**  
پروردگارا! تو خود می‌دانی که عشق به دین تو مرا بدینجا کشانده است؛  
لذا شهادت در راه خودت را اگر لایق آن هستم نصیب من بگردان و مرا  
به این آرزوی دیرینه خود برسان.

**شهید مصطفی زیادی: آیت الله کاشانی - ۱۷ ساله**  
خدایا! مرا به آرمان همیشگی همانا شهادت در راه تو و پیروزی رزمندگان  
اسلام و مسلمانان برسان.

**شهید ابراهیم بحرانی: دبیرستان دین و دانش - ۱۹ ساله**  
اگر با مرگ من نهال آزادی پا می‌گیرد، من شهادت خود را بر سینه تاریخ  
می‌کوبم و ظلم را به محاکمه می‌کشانم چون در راه خدا در خون  
غلطیدن و شهادت را عاشقانه پذیرفتن شیوهی مسلمان است.

**شهید مصطفی پورعزیزی: ۱۷ ساله**  
مرگی که در آن راحتی و در بستر باشد کسی آن را آرزو نخواهد کرد و  
همین طور من؛ بلکه دوست دارم به دست کسانی کشته شوم که با  
اسلام به جنگ درآمدند که باید این‌ها از زمین برداشته شوند که در حال  
حاضر این‌ها همان بعثی‌ها هستند که ما با آنها در جنگیم.

### شهید محسن ابراهیمی: دبیرستان امام صادق (علیه السلام) - ۱۶ ساله

می دانم که لیاقت شهادت ندارم؛ ولی اگر خداوند یک لطفی در حق این حقیر نمود و شهادت را نصیبم کرد، از تمام شما می خواهم که برایم گریه نکنید؛ چون طبق وعده خداوند شهیدان زنده هستند و در نزد خدا روزی می خورند.

### شهید سید حسن طباطبایی: دبیرستان امام صادق (علیه السلام) - ۱۹ ساله

ما همگی که باید برویم پس چه افتخار بزرگی برای شما و من است که در راه خدا کشته شویم. چه عاشقانه و عارفانه است پیوستن به معبود! چه خوب است که در میدان نبرد امام زمان (عج) بر سر ما خواهد آمد این وصیت نامه را در حالی می نویسم که چند روزی دیگر به عملیات باقی مانده است و ما برای عملیات لحظه شماری می کنیم.

### شهید سید محمد بهاء الدینی: هنرستان فنی قدس - ۲۰ ساله

ای جوانان! نباشد که به خاطر کشته شدن از جبهه فرار کنید؛ زیرا مرگ هر جا که باشید فرا می رسد، پس بهتر آن که مرگ در راه خدا را به مرگ طبیعی ترجیح دهید.

و به گفته‌ی حضرت علی (علیه السلام) یا باید چون شمشیر آبدیده شده در میدان کارزار جنگید و یا باید چون آهن پاره‌ای در گوشه‌ای از خاک مدفون شد.

### شهید حسین تاجیک: دبیرستان دین و دانش - ۱۸ ساله

برای من گریه نکنید در حالی که من به شما می‌خندم؛ از شوق آنکه به افتخار شهادت نائل شده‌ام و چه افتخاری از این بالاتر.

### شهید محمد صادق منصوریان: دبیرستان صدوق - ۱۸ ساله

خداوندا! دوست دارم حسین‌وار شهید شوم.  
خدایا! دوست دارم همانند بهشتی آن شهید مظلوم خدا، آن که در راه جدش حسین (علیه السلام) قدم برداشته بود، شهید گردم.

### شهید محمد عبدالمالکی: آیت‌الله کاشانی - ۱۶ ساله

از خداوند می‌خواهم که این فیض (شهادت) و سعادت بزرگ را نصیب ما هم بکند.

### شهید محسن انصاری: ۱۹ ساله

امید دارم خداوند کریم و رحیم از الطاف خاصش نصیب این بنده عاصی کرده و مرا از شیعیان حقیقی حضرت امیر (علیه السلام) قرار داده و در نهایت، شهادت در راه خودش نصیبم نماید. انشاءالله.

### شهید حسن علی بابایی: ۱۶ ساله

خدایا! از تو می‌خواهم که توفیق شهادت را نصیبم کنی؛ مرگ پر افتخاری که بارها به آن نزدیک شدم؛ ولی نصیبم نشده است.



### شهید مهدی ایرانی زاده: ۱۷ ساله

خدایا! سرمشق زندگی‌ام را خط سرخ شهادت قرار دادم چون که سالار شهیدان حسین بن علی (علیه السلام) شهادت را سرمشق زندگی خود قرا داد. چون که تمامی پیامبران ۱۲ امام به جز یک نفر آنها که مهدی (عج) سرمشق زندگی خود را شهادت قرار دادند و می‌گوییم که هر کس که بخواهد به بهشت برود، هر کس که بخواهد به خدا نزدیک‌تر شود، باید سرمشق زندگی خود را خط سرخ شهادت قرار دهد و ما می‌گوییم که مردن حق هست حال که قرار است ما در بستر بیماری از دنیا برویم چه بهتر که در راه خدا برای دفاع از اسلام و قرآن شهید شویم که بالاترین مقام به سوی حق و بسوی او حرکت کنیم.

### شهید محمود سلطان زاده: ۱۹ ساله

باید همیشه آماده برای دادن جان و مال خود در راه خدا باشیم.

### شهید علیرضا صالحی: ۱۷ ساله

ای اهل دنیا و ای امت مسلمانان! بدانید که هجرت وسیله‌ی ما و شهادت سعادت ماست.

### شهید سید مرتضی شریفی: دبیرستان ملا صدرا - بخش کهک - ۱۷ ساله

شهید شدن راه انبیا است و همه باید روزی بمیرند؛ ولی چرا در بستر و رختخواب ذلت بمیریم! و اگر قرار باشد که با زندگی ذلت‌بار از دنیا برویم؛ چرا در این آزمون شرکت نکنیم!



### شهید محمد صفایی حائری: ۱۸ ساله

خدایا! از تو می‌خواهم که قلم عفو بر جرایم اعمالم بکشی و پس از طهارت وجودم از فساد و تباهی‌ها، توفیق درک محضرت را و شهادت در راهت را و سعادت نظارت بر وجهت را، عطایم کنی که تنها راه رستگاری را در شهادتم می‌بینم؛ چنان که معصوم فرمود: «الجنة تحت ظلال السیوف».

### شهید فاضل صابری زاده: دبیرستان دین و دانش - ۱۹ ساله

اگر هزار جان هم می‌داشتیم در راه خدا و الله اکبر و لا اله الا الله و امام - مان که پیشرو این راه است نثار می‌کردیم.

### شهید محمد رضا ملک‌شاهی: ۱۶ ساله

به خدای واحد قسم که شهادت در راه خدا آرزوی دیرینه من است و همچون چشم به راهی منتظر زمان ملاقات معبودم بودم تا آن زمان فرا رسید... من شهادت در راه خدا را بهتر از مردن در پیری می‌دانم.

### شهید مهدی ایرانی زاده: ۱۷ ساله

خدایا! می‌خواهم طوری شهید شوم که تمام بدنم از هم جدا شود و تکه تکه شود، شاید که گناهانم کمتر شود. شاید که این جان ناقابل را این طوری زودتر قبول کنی.





**شهید مهدی سقایتی:** دبیرستان صدر - ۱۷ ساله  
اینک با آگاهی کامل به راهی که انتخاب کرده‌ام، شهادت را در آغوش  
خواهم گرفت.

**شهید محمد صفایی حائری:** ۱۸ ساله  
اول باید شهید شد بعد به جبهه رفت نه این که به جبهه برویم تا شهید  
شویم.

**شهید محمود سلطان زاده:** ۱۹ ساله  
امیدوارم اصلاً از مرگ من ناراحت نشوید و فقط از خدا بخواهید مرگ مرا  
خالصاً مخلصاً برای خودش قرار دهد و مرا با شهدا محسوب فرماید.

**شهید محمد صفایی حائری:** ۱۸ ساله  
در صورت شهادت من غم و اندوه و خوفی به خود راه ندهید که مرا روح  
و حیات و جنت عظیم شامل است. انشاءالله رضوان الله اکبر نصیب این  
بنده خداوند گشته است.

**شهید غلامحسین رجایی هرنندی:** ۲۰ ساله  
نامم شهادت، تاریخ تولدم از ایجاد آدم و حوا، شماره شناسنامه‌ام ۷۲ تن؛  
شهدای حزب، نام خانوادگی فی سبیل الله، تاریخ فوتم ظهور مهدی (عج)،  
هدفم کربلا، و عمرم نوح (علیه السلام).

### شهید سعید خرم‌نژاد: دبیرستان هدایتی - ۱۶ ساله

اگر این فرزند کوچک‌تان لیاقت شهادت را داشت و شهید شد، پس از شهادت او غم به دل مگیرید و بلکه باید فکر کنید که من عروسی کرده‌ام خودتان می‌دانید که من چقدر عاشق شهادت بودم.

### شهید مهدی دانش: ۱۶ ساله

ای جهانیان! بدانید که ما در همه حال پیروزیم؛ اگر بکشیم که پیروزیم و اگر کشته شویم باز هم پیروزیم؛ زیرا به مقام رفیع شهادت رسیده‌ایم. به آنهایی که ما را متهم به داشتن بیماری مرگ‌پرستی می‌کنند بگویید ما مرگ‌پرست نیستیم، ما عاشقیم، عاشق الله، عاشق حسین (علیه السلام)، عاشق شهادت، شهادت مرگ نیست، مردن نیست، زندگی جاویدان است، آرزوی من شهادت است و آرزوی همه ما شهادت است، آرزوی ما پیروزی اسلام است، حتی اگر این پیروزی با شهادت ما صورت بگیرد. اسلام ارزشش از جان ما بیشتر است.

### شهید حسین بادی: دبیرستان آیت‌الله کاشانی - ۱۸ ساله

الهی که خداوند این جان ناچیز را به درگاه خود قبول نماید.

### شهید ابوالفضل بختیاری: ۱۸ ساله

ما از آن خداییم و به سوی او بازمی‌گردیم و چه بهتر که با چهره خندان با خدای خویش ملاقات کنیم.



### شهید خلیل ملکی: ۱۴ ساله

من اگر چه لیاقت ندارم که در درگاه کبریایی یزدان بی‌همتا نام شهید داشته باشم؛ ولی به این امیدوارم که دلم در جبهه همچون آئینه درخشان شده و روزها و شبها در دلم وحشتی احساس می‌کنم و مثل این است که به معشوق بسیار نزدیک شده‌ام. و از خدا می‌خواهم که تنها قربانی در راه استقلال میهنم باشم.

### شهید خالد محلاتی: دبیرستان امام صادق (علیه السلام) - ۱۸ ساله

اگر خداوند فضل و کرم نمود مرگ سرخ و شهادت را نصیبم نمود، بی-شک آرزوی هر مسلمان مبارزی است. آنچه که برای مدتی کوتاه نابود می‌شود، جسم ماست که آن هم بنا به وعده‌ی خداوند در قیامت بار دیگر به روح‌مان می‌پیوندد. ما نمی‌نمیریم؛ بلکه قدم به دنیایی بزرگ‌تر می‌گذاریم. همان طور که تصور دنیایی عظیم‌تر از دنیای رحم برای جنین ممکن نیست، برای انسان هم در دنیا تصور عالمی دیگر محال است.

### شهید ابوالفضل هادی زاده: ۱۹ ساله

ما پیروان مکتب سرخ شهادت هستیم و از مرگ هراسی نداریم. اگر اسلام با خون ما جاوید می‌ماند، پس تمام تیرها بر فرق ما فرود بیاید که ما مرد جنگیم.



### شهید حسن حاج غفاری: ۱۷ ساله

خدایا! شهادت در راه خودت را نصیب ما گردان که شیرین‌ترین مرگ‌ها است.

### شهید محمدحسین حسین پورعلوی: آیت‌الله کاشانی - ۱۹ ساله

من اکنون بعد از پیروزی اسلام و رسیدن به صحن و سرای اباعبدالله الحسین (علیه السلام) و آزادی قبله‌ی اول مسلمین؛ قدس، به تنها چیزی که می‌اندیشم شهادت و مرگ سرخ در راه خداست و نمی‌دانم آیا در مدت جبهه بودنم خودم را ساختم و دینم را ادا کرده‌ام؟  
و این که آیا اصلاً لیاقت چنین اندیشیدن و آرزویی را دارم؟ آری، شهادت تنها چیزی است که می‌تواند گلوی مرا سیراب کند و به کام خود برساند.

### شهید سعید خرم‌نژاد: دبیرستان هدایتی - ۱۶ ساله

اگر بشود برای پیروزی اسلام خودم را زیر چرخ‌های تانک خواهم انداخت تا صدامیان بفهمند که ما جوانان ایرانی ترسی از مرگ نداریم؛ بلکه شهادت، آرمان ماست.

### شهید مهدی نوروزی: هنرستان فنی قدس - ۱۷ ساله

عقربه‌ی زمان به کندی می‌گذرد. صدای سروش عاشقان دلباخته از هر گوشه‌ای بلند است. سفیر عشق در گوش جان‌ها سروش دگر دارد. زمزمه عشاق، امام خویش را در بیابان‌ها می‌جویند و در این بین است که حق از باطل تشخیص داده می‌شود.



سخن را از سرزمین خون و پیام شروع می‌کنم؛ نوستاره‌ای که از خون ترسیم و بر صفحه کاغذ ترسیم می‌شود. سرزمین اسلامی که جای قهرمانان شهادت و شجاعت است. سرزمین اسلامی که جوانان رشیدش سینه‌های گستاخ کوه‌های بلندش را زیر پا نهاده تا در تمامی مکان‌ها خصم دین و مکتب‌شان را دنبال کنند و چه زیباست که ما هم سعادت شرکت در این خروش را پیدا کرده، همراه با عنایات حضرت حق رهسپار عشق گردیده تا در این امید که ما هم شاید مورد قبول حق تعالی گردم و نمی‌دانم که آیا من هم سعادت پیدا خواهم کرد که در لابه لای سفیر گلوله‌های دشمن بهره‌ای برده تا با فدای نمودن خویش برای اسلام گامی مثبت در جهت اهداف عالیه اسلام بردارم.

### شهید احمد ملک محمدی: ۱۸ ساله

همه انبیای ما از خدا طلب شهادت می‌کردند و همه آنها به درجه شهادت نائل آمده‌اند. پس ما هم چه خوب که راه انبیا و امامان را ادامه دهیم.

### شهید محمد حسین حسین پور علوی: آیت‌الله کاشانی - ۱۹ ساله

خدا! ما مشتاق شهادت هستیم، پس ما را لایق به شهادت بگردان.

### شهید خسرو کاوندی: ۱۸ ساله

بدانید که من در راه خدا شهید شده‌ام. خوشحالم که خدا مرا به سوی خودش خوانده است.



### شهید حسن علی بابایی: ۱۶ ساله

خدایا! از تو می‌خواهم که توفیق شهادت را نصیبم کنی؛ مرگ پر افتخاری که بارها به آن نزدیک شدم؛ ولی نصیبم نشده است. شاید لایق شهید شدن نباشم؛ زیرا که شهید مقام والایی دارد و من اینک فردی گنهکار و خوارم.

دنیا جای ماندن نیست؛ بلکه پلی است که باید از آن گذر کرد و چه بهتر است که انسان خالصاً و مخلصاً دنبال تعقیب همچون شهادت در راه خدا باشد که این آرزو مرا دیوانه حسین (علیه السلام) کرده است. چه بهتر است که به سرای ابدیت پیوست. خوشا آنان که از این راه توشه‌ای برداشتند و به جوار رحمت حق پیوستند و نه مثل من بیچاره که عمرم را به بیهودگی گذراندم و جز معصیت توشه‌ای بر نگرفتم؛ ولی می‌روم تا بلکه با ریخته شدن خونم گناهانم آمرزیده و مورد عفو و رحمت خدا قرار گیرم تا از این عقب افتادگی قافله کمی سبقت بگیرم.

### شهید علی گل‌وردی: دبیرستان صدر - ۱۹ ساله

نوشتن وصیت‌نامه بدین معنا نیست که بنده شهید می‌شوم. خیر، بنده یک درصد هم احتمال نمی‌دهم شهید شوم؛ چرا که لیاقتش را ندارم. شهادت برای اولیاءالله است. برای مؤمنین واقعی است. برای بندگان خداست. شهادت فوز عظیمی است که نصیب هر کس نمی‌شود و اگر چه بنده لیاقت شهادت را ندارم و اصلاً به خود نمی‌بینم؛ ولی وصیت‌نامه را به یک امیدی می‌نویسم؛ چرا که خداوند ستارالعیوب و غفارالذنوب است. امیدوارم به لطفش، به کرمش، به بخشندگی‌اش. پشیمانم از گناهانم؛ ولی پشیمان نیستم از درگاهت.



■ وصایای شهدای دانش آموز استان قم

**شهید محمد تقی کلهری:** دبیرستان امام صادق (علیه السلام) - ۲۰ ساله  
ای جوانان پرشور و انقلابی! مبادا در رختخواب ذلت بمیرید که مولای  
شما حسین (علیه السلام) در میدان نبرد شهید شد. مبادا در غفلت بمیرید که  
مولای مان علی (علیه السلام) در محراب عبادت شهید شد.

**شهید محمد غلامی:** ۱۷ ساله  
دعا کنید که خداوند مرا جز شهیدان واقعی قرار دهد و با شهدای کربلا  
محشور گرداند.

**شهید علی گلوردی:** دبیرستان صدر - ۱۹ ساله  
ای خدای بزرگ! دوست دارم که خونم در راه تو ریخته شود؛ چرا که  
شاید با ریخته شدن خونم در راهت گناهانم نیز بخشیده شود.

**شهید حسین فرز انگان:** دبیرستان امام صادق (علیه السلام) - ۱۸ ساله  
خداوندا! مرا شهید بمیران، شاید خون ناچیز من کمکی باشد برای تداوم  
این انقلاب اسلامی که شکست ناپذیر است.

**شهید خلیل ملکی:** ۱۴ ساله  
در جبهه یک چیز است و آن هم شهادت است. آری، شهادت چه کلمه  
زیبایی است و من خیلی شیفته او شده‌ام و می‌خواهم با شهادت، خود را  
شهید راه این اسلام بکنم.



### شهید محمد بیطرفان: هنرستان فنی قدس - ۱۶ ساله

اگر شهادت نصیب من شد و روحم به ملکوت اعلی پیوست، برای من نگران نباشید که از دار دنیا رفته‌ام و خیال نکنید که مرگ آخر زندگی است؛ خیر. مرگ حیات‌بخش است. مرگ آخر زندگی نیست؛ بلکه تبدیل صورت زندگی از زندگی آمیخته به بلا و رنج به زندگی طیب و خوب است.

### شهید علی روحی: ۱۸ ساله

امید آن که خداوند به این حقیر لیاقت داده تا جان ناقابل خود را در راه مکتب و آرمان خود تقدیم نمایم و به جرگه شهیدان بپیوندم.

### شهید هادی بیضایی: ۲۳ ساله

در شهادتم گریه نکنید و لباس سیاه نپوشید که ما ضرر نکرده‌ایم.

### شهید محمدرضا ملک‌شاهی: ۱۶ ساله

همچون چشم به راهی، منتظر زمان ملاقات معبودم بودم تا آن زمان فرا رسید و اینک مادر! تو باری زینب‌وار بر دوش می‌کشی.

### شهید رضا سلمانی: مدرسه کسایی روستای فردو - ۱۶ ساله

وصیت دیگرم به مادر مهربانم می‌باشد: اگر من شهید شدم بدان که به بهترین آرزوی خود رسیده‌ام.





### شهید حسین مالکی نژاد: مدرسه حافظ - اول راهنمایی - ۱۷ ساله

اینک از پس کوهی غم و غصه، با زبانی الکن و قلمی قاصر برایتان می-نگارم.

اینک از جدایی برایتان می نویسم از روزهایی که یاران راه را انتخاب و پیمودند و ما را در طریق عشق تنها گذاشتند.

اینک از روزهای خوش که هرگز خاطره‌هایشان فراموش نمی‌شد و هر لحظه جلوی نظرم متصور می‌شد برایتان می نویسم.

قبل از شهادتم غروب‌های جبهه را می‌دیدم. بعضی از روزها خورشید خیلی سخت و با حالتی غمگین غروب می‌کرد، اشک در دیدگانم حلقه می‌زد.

آری، برایت می نویسم ای برادر! ای دوست! که مرا دگر یاری نمانده بود، مرا دگر غمخواری نمانده بود، مرا دگر کسی نبود که شب‌های تنهایی سر بر سینه‌اش گذارم و او برایم قصه صبر بازگو کند، مرا دگر کسی نبود که به او عشق ورزم و او به من لبخند بزند، هرگز فراموش نمی‌کردم قصه غصه‌هایشان را برایم بازگو می‌کردند، هرگز فراموش نمی‌کردم آن سیمای معصوم و ملکوتی‌شان را و آن زمزمه مناجات شب‌هایشان را و آن ذکر خدای را که همیشه زیر لب‌هایشان زمزمه می‌نمودند. آری، دگر کسی نبود که دستانم را در دستان‌شان بفشارم و آنها نیز دست در دستم بفشارند و لبخند بر رخسارمان نقش ببندد.

بعد از رفتن آنها یعنی (حسن خاکدامن - سیدمصطفی خادمی - عباس مردای - ابوالقاسم لاله - جواد شریفی - محمود بیگدلی و بالاخره شهید مقفود الجسد؛ سید عزیزم حسین هدایی) دیگر کسی نبود که به من



بگوید من به تو علاقه دارم؛ علاقه‌ای که واقعاً به خاطر خدا باشد. چگونه می‌توان نسوخت! چگونه می‌توان که از دیده اشک جاری نکرد! خداوندا! تو خود شاهد بودی که من نظاره‌گر شهادت این رفقای باوفا و عزیزم بودم آنان آمدند و در جوار رحمت بالغه‌ی تو جای گرفتند و مرا تنها گذاشتند و من رو سیاه هنوز در این دنیا از غم هجران عزیزانم می‌گیرم، از این می‌گیرم که چرا شهید نمی‌شوم از این می‌گیرم که هنوز در این دنیای پست و بی‌آلایش زندگی می‌کنم.

الهی! نظر لطفی بر این بنده حقیرت بنما و مرا از اسارت نفس رهایی بخش و به سعادت و خوشبختی رهنمون ساز...

خدایا! خدایا! تو را به پهلوی شکسته زهرا(سلام الله علیها) قَسَمَت می‌دهم.  
خدایا! تو را به ناله‌های نیمه شب زهرا(سلام الله علیها) قَسَمَت می‌دهم.  
خدایا! تو را به دندان‌های شکسته پیغمبر(صلی الله علیه و آله و سلم) قَسَمَت می‌دهم. خدایا، تو را به علاقه‌ای که زینب(سلام الله علیها) به حسین(علیه السلام) داشت قَسَمَت می‌دهم؛ هر چه زودتر مرا شهید کن و به رفقایم پیوندان که دیگر طاقت ماندن در این دنیا و دوری آنها را ندارم.

### شهید محمدعلی فرزانه: ۱۸ ساله

اگر انشاءالله خداوند مرا لایق دانست و شهادت را نصیبم کرد که این منتهای آرزوی من است.

از شما می‌خواهم که نه برایم گریه کنید و نه لباس مشکی بپوشید.



### شهید محمدجواد سعادت‌مند: ۱۵ ساله

چنان چه مقام پر افتخار شهادت به ما تعلق گیرد با آغوش باز می‌پذیریم.

### شهید ابوالفضل ماهرخ: ۱۵ ساله

شهادت، برای ما آخرین تکامل است که با روی باز به سویش شتافته و خود را تسلیم آن نموده‌ایم.

### شهید رضا سلمانی: مدرسه کسایی روستای فردو - ۱۶ ساله

بدانید که مرگ سرخ بهتر از زندگی ننگین است. و عقل سلیم چنین مرگی را بر مرگ سیاه ترجیح می‌دهد و آن را سرلوحه خود قرار می‌دهد. و بنده نیز عاشق چنین راهی شدم و می‌دانم که هر کس بخواهد به معبود برسد باید این راه را انتخاب کند.

### شهید حسن عبداللهی: ۱۷ ساله

گناه و معصیت در زندگی‌ام زیاد کرده‌ام؛ ولی در این راهی که می‌روم اگر خداوند از من قبول کند می‌روم تا به هدف اصلی برسم که همان شهادت در راه خدا عزوجل است، نمی‌رسم چون من لیاقت شهید شدن را ندارم. لیاقت این را ندارم که خدا مرا به دیدار خود دعوت نماید. آنهایی که شهید می‌شوند جوانی مخلص و مؤمن، مظلوم و خالص، بی‌گناه و پاک هستند که در این راه می‌روند و شهید می‌شوند و اگر شهادت هم نصیب من شد گریه برایم نکنید و لباس سیاه برایم به تن نکنید.

### شهید محمدعلی صادقی علی‌آبادی: ۱۹ ساله

من از این که در راه رضای خدا کشته شدم خیلی راضی هستم.



### شهید محمدعلی هادی: دبیرستان امام صادق (علیه السلام) - ۱۸ ساله

من از آن وقتی که تصمیم به جبهه آمدن گرفتم، در خود شهادت را یافتم و خدا را شکر که مرا به سلاح شهادت مجهز نمود تا با سلاح شهادت در موقع خطر از آن استفاده نمایم.

### شهید مهدی عسگری: مدرسه کسایی روستای فردو - ۱۶ ساله

بدانید که من به راستی رستگار و به سوی معبودم هجرت نمودم و چه راهی از این بهتر که انسان در راه خدا جانش را که فقط امانتی بیش نیست هدیه کند.

### شهید مجید وفایی: دبیرستان صدوق - ۱۶ ساله

خدایا! تو خود می‌دانی که از وقتی که خود را شناختم، بزرگ‌ترین آرزویم شهادت در راه تو بود؛ جان دادن و به سوی تو بال گشودن بود. و حال که این فوز عظیم نصیب من شده، بسیار خرسندم.

### شهید ابوالفضل قنبریان: ۱۸ ساله

پدر و مادر مهربانم! این وصیت‌نامه من پیش از شهادت است ... امیدوارم با یک پیروزی کامل برای خدا و اسلام و قرآن جان بی‌ارزشم را به آفریننده خود تسلیم نمایم.



### شهید محمدعلی هادی: دبیرستان امام صادق (علیه السلام) - ۱۸ ساله

الان می‌خواهیم عازم بشویم برای حمله. نمی‌دانم چه احساسی دارم، چه حالتی دارم. مگر احساس را می‌توان با قلم بیان کرد. مگر حالات دل و تمایلات درونی را می‌توان به رشته تحریر درآورد. مگر عشق قابل توصیف است. اکنون قلبم دارد پر می‌زند، دلم یکپارچه آتش شوق است و می‌خواهد به یک باره این قفس تنگ را بشکند و به پرواز درآید و در کنار بهشتی و رجایی و باهنر پرواز نمایم. انگار شهیدان دارند صدایم می‌زنند.

### شهید قاسم رحیمی فردویی: ۱۸ ساله

به پدر و مادرم سفارش می‌کنم اگر احیاناً توفیقی نصیب ما شد و توانستیم انشاء الله بعد از پیروزی در ردیف شهداء قرار گیریم ناراحت نباشید، زیرا که هر انسانی یک مرتبه می‌میرد چه بهتر که این یک بار هم با عزت و سعادت همراه باشد.

### شهید اسدالله فرحناک: دبیرستان صدوق - ۲۰ ساله

اگر خداوند توفیقی داد تا در راه او شهید شوم، سعادت است که نصیب من و شما خانواده‌ام گشته است ولو کسی این لیاقت و سعادت را ندارد که با خداوند معامله کند و شما ناراحتی و بی‌صبری نکنید و شکر خداوند را بکنید و طوری نباشد که دشمن چیزهایی بگوید.



### شهید محمد علی رحیمی: دبیرستان امام صادق (علیه السلام) - ۱۷ ساله

از رهبر آزادگان حسین (علیه السلام) درس بگیریم؛ درس شهادت را. ای حسین! با تو چه بگویم در شب تاریک و بیم و موج و گردابی چنین حائل، و تو ای چراغ راه و تو ای کشتی نجات، ای خونی که از آن نقطه جاودان می‌تپی و می‌جوشی و در بستر زمان جاری هستی و هر زمین حاصل خیزی را سیراب می‌کنی و از هر خون شهید لاله‌ای از قعر زمین می‌شکوفانی و هر نهال تشنه‌ای را به برگ و بار حیات و خرمی می‌نشانی. ای آموزگار شهادت! ای که مرگ سرخ را برگزیدی تا عاشقانت را از مرگ سیاه برهانی! ایمان ما و ملت ما به تو و خون تو محتاج است.

### شهید احمد شریفی: ۱۷ ساله

عزیزانم! آدمی چند صباحی بیش عمر نمی‌کند چه بهتر آن که این جان بی‌ارزش خویش را که خدا به او داده، در راه خدا فدا کند. من و شما از خداییم و به سوی او باز می‌گردیم؛ چقدر خوب است که با روی گشاده و خیالی آسوده به پیش او بازگردیم.

### شهید محمد کاظمی: ۱۷ ساله

خداوند انشاءالله مرا جزء شهدا قرار داده باشد.



### شهدیدسیدروح الله صحفی: ۱۹ ساله

اگر در راه دفاع از اسلام دشمن را شکست دهیم پیروزیم و اگر هم کشته شویم پیروزیم به هر حال این مایه افتخار و سرافرازی است که در راه اسلام به درجه‌ی شهادت برسیم.

### شهدیدمهدی هندویان: دبیرستان صدوق - ۱۹ ساله

باید سینه‌ها را علم ساخت و مشت‌ها را گره کرد، عاشق شد و جامه‌ی خونین شهادت را بر تن کرد. باید ندای انا الحق را بر سر دار شهادت با شهامت هر چه بیشتر سر داد و اکنون هنگامه رفتن است و به حق رسیدن. باید خون گریست و ماتم گرفت و در عزای شقایق نوحه‌سرایی کرد و بر مزار مطهر یاران، گل‌بوته‌های سرخ را نظاره کرد و از غم هجران بر جوهره‌ی خویش نهیب زد؛ چون ما از تبار هابیل و از نسل سرخ شهادتیم.

### شهدیدسیدحسین سیدابراهیمی: ۱۷ ساله

ای برادران! همکلاسی‌ها و همسنگرانم! من این احساس را در خود دیدم که با شهادت متولد می‌شوم و به زندگی جاودان می‌رسم، پس به سویس شتافتم. افتخار من این است که در راه عقیده‌ای جهاد کردم که به حقانیت آن آگاه بودم و غیر از این راه دیگری نداشتیم که یا پیروز شوم و یا شهادت را چون اسلحه‌ای مرگبار بر سر دشمن فرود آورم.



## شهید غلامرضا سعادت‌تی منفرد: ۱۶ ساله

دنیای مظلومیت منحنی و ظالمیت به انحطاط کشنده! به هوش باشید، من شهادت خود را به سینه تاریخ خواهم کوفت تا با اباسفیان‌ها و ابن زیادها و تمامی ملعونان تاریخ از قابیل گرفته تا آخرین نفر از این سلاله‌ی خبیثه را به پای میز محاکمه می‌کشانم، شهادتم را به سینه تاریخ خواهم کوفت تا بگویم: من فرزند هایبلم و درس آموز مکتب حسین (علیه السلام) و تا انتقام خون مظلومیت آنان را نگیرم از پای نخواهم نشست تا می‌توانم جهاد خواهم کرد و در آخر راه به تنها سلاح دست خواهم برد؛ «شهادت».

آری، با شهادتم غاصبان قدس و حرمین شریفین و عتبات عالیات و تمامی اماکن مقدسه، کاخ‌نشینان سفید و سرخ و تمامی زنجیرکشان مستضعفان رابه پای میز محاکمه خواهم کشاند؛ به همان سان که چون اربابم حسین (علیه السلام) تمام ظالمان را به محاکمه کشانده.

و تو ای تاریخ! و تو ای کربلای ایران! و تو ای دشت خونین عباس! و تو ای شهر مخروبه‌ی خرمشهر! شاهد باش که من با خون خود به سالارم، عرض «انی سلم لمن سالمکم و حرب لمن حاربکم الی یوم القیامه» را دارم؛ چه باک از شهادت که خود تولد نوین محمد (صلی الله علیه و آله و سلم) و آتش و میراث اوست؟ چه باک از شهادت؟ که تولدی نوین است. خون تازه و آغازی است بر پایانی کوتاه و کانالی است تا از مهد دنیا به مقر عقبی برویم. مرغابی را چه باک از آب؟ ای راهیان ره سرخ شهادت! شما استکبار را خلع سلاح کردید. شما اقیانوس خون‌تان به یقین با تلاطم مقدس خویش، انسانیت و امانده را روح تازه‌ای دمید و کاخ هر آن چه غیر خدایی و ضدّ خدایی بود را برفکندید. شما رفتید و بار بردوش من نهادید. من هم آدمم تا بار رفتنم را بر دوش این امت حزب‌الله بگذارم.





### شهید ابوالفضل مرادی کوشکی: ۲۱ ساله

من بارها در خود تفکر می‌کردم و می‌اندیشیدم که آیا این فیض عظیم و گرانبها که همانا شهادت است نصیب من حقیر می‌گردد؟! و در حال حاضر این را در خود احساس کرده‌ام که با بدنی پاره پاره به لقاءالله می‌شتابم و جمال دل‌آرای پیغمبر(صلی الله علیه و آله و سلم) و ائمه معصومین(علیهم السلام) را از نزدیک نظر کنم و این باعث سربلندی من است.

### شهید ابوالقاسم تلخابی: ۱۶ ساله

و من می‌خواهم بگویم خدایا اگر من در این برهه از زمان در بستر بمیرم ننگ است، زیرا که برادرم شهید احمد نیز در راه این اسلام جانش را فدا کرد و من نیز از خداوند متعال می‌خواهم که وقتی شهید شوم مفقودالاثرا شوم و جنازه‌ام زیر طوفان‌ها و آب باران‌ها از بین برود تا با روی سفید بتوان به پیش رفقا و برادرم احمد و پیش امام حسین(علیه السلام) روم.



■ برای همکلاسی‌ام



## اسامی تمامی شهدای مجموعه «برای همکلاسی ام»

۱. شهید محسن آبکار، فرزند محمد. آیت الله کاشانی - دوم اقتصاد. ۱۷ ساله.
۲. شهید محمدرضا آقاجانی زاده، فرزند امین آقا. ۱۹ ساله.
۳. آ شهیدیدالله آرمیده، فرزند اصغر، ۱۷ ساله.
۴. شهید محسن ابراهیمی، فرزند باقر. دبیرستان امام صادق (علیه السلام). ۱۶ ساله.
۵. شهید حسن ابوالقاسمی نجف آبادی، فرزند محمدباقر. ۱۹ ساله.
۶. شهید مرتضی احمدی نیا، فرزند علی اکبر. ۱۶ ساله.
۷. شهید نبی الله اسدی کوشش، فرزند ولی الله. ۱۴ ساله.
۸. شهید مجتبی اسکندری حصارى، فرزند اسماعیل. دبیرستان صدوق. ۱۷ ساله.
۹. شهید غلامحسین اشعری، فرزند مهدی. ۲۰ ساله.
۱۰. شهید محسن اعرابی جوشقانی، فرزند محمدعلی. ۲۱ ساله.
۱۱. شهید علی اعلائی، فرزند حسین. دبیرستان دین و دانش - اول متوسطه. ۱۷ ساله.
۱۲. شهید نصرالله اکبری عسکرانی، فرزند حبیب الله. ۱۶ ساله.
۱۳. شهید محمدتقی امین، فرزند محمدحسن. دبیرستان صدوق. ۱۷ ساله.
۱۴. شهید محسن انصاری، فرزند محمدابراهیم. ۱۹ ساله.
۱۵. شهید حمید اهوز، فرزند حسین. دوم راهنمایی - مدرسه مهدوی. ۱۵ ساله.
۱۶. شهید محمود اهوز، فرزند محمد. اول راهنمایی - مدرسه مهدوی. ۱۸ ساله.
۱۷. شهید مهدی ایرانی زاده، فرزند رضا. ۱۷ ساله.
۱۸. شهید علی بابایوسفی، فرزندحسن. دبیرستان امام صادق (علیه السلام). ۲۰ ساله.
۱۹. شهید علی محمد بابایی، فرزند رحمت الله. ۱۷ ساله.
۲۰. حسین بابایی مقدم، فرزند تراب، ۱۷ ساله.
۲۱. شهید حسین بادی، فرزند رجبعلی. دبیرستان آیت الله کاشانی. ۱۸ ساله.
۲۲. شهید منصور باقری، فرزند علی. دبیرستان صدوق. ۱۸ ساله.
۲۳. شهید مهدی باقری نژاد، فرزند عشقعلی. ۱۷ ساله.
۲۴. شهید ابراهیم بحرانی، فرزند احمد. دبیرستان دین و دانش - دوم متوسطه. ۱۹ ساله.
۲۵. شهید ابوالفضل بختیاری، فرزند قنبر. ۱۸ ساله.
۲۶. شهید حسین بختیاری، فرزند محمدعلی. ۱۹ ساله.



۲۷. شهید ناصر بخشی‌نیا، فرزند غلامحسین. ۱۹ ساله.
۲۸. شهید ابوالفضل بدخشان، فرزند غلامحسین. دبیرستان صدوق. ۲۱ ساله.
۲۹. شهید مصطفی برجعلی‌زاده صیوری، فرزند محمدتقی، هنرستان شهید رجایی. ۱۶ ساله.
۳۰. شهید مهدی برخوردار حبیب‌آبادی، فرزند حسین. دبیرستان هدایتی. ۱۹ ساله.
۳۱. شهید احمد برقی، فرزند حسن. ۱۷ ساله.
۳۲. شهید محسن بیابانی‌مظلوم‌قمی، فرزند مرتضی. ۱۷ ساله.
۳۳. شهید سیدمحمد بهاء‌الدینی، فرزند سید تقی. هنرستان فنی قدس. ۲۰ ساله.
۳۴. شهید ولی‌الله بیات، فرزند علی. دبیرستان امام صادق (علیه السلام). ۱۶ ساله.
۳۵. محمد بیطرفان قمی، فرزند غلامحسین. هنرستان فنی قدس. ۱۶ ساله.
۳۶. شهید هادی بیضایی، فرزند عزیزالله. ۲۳ ساله.
۳۷. شهید محمود پناهی فر، فرزند مصطفی. دبیرستان امام صادق (علیه السلام). ۱۸ ساله.
۳۸. شهید سیدجواد پورحسینی ده‌آبادی، فرزند آقا حسین. ۱۷ ساله.
۳۹. شهید مصطفی پورعزیزی، فرزند عبدالحسین. ۱۷ ساله.
۴۰. شهید احسان پورمیدانی، فرزند محمدعلی. ۱۹ ساله.
۴۱. شهید حسین تاجیک، فرزند غلامحسین. دین و دانش - چهارم متوسطه. ۱۸ ساله.
۴۲. شهید محمدحسن تقوی‌آزاد، فرزند اسدالله. ۱۸ ساله.
۴۳. شهید احمد تلخابی، فرزند علی. ۱۷ ساله.
۴۴. شهید ابوالقاسم تلخابی، فرزند علی. ۱۶ ساله.
۴۵. شهید حمید تشکری، فرزند علی‌اکبر. دبیرستان امام صادق (علیه السلام). ۱۹ ساله.
۴۶. شهید محمدعلی توکلی‌بینا - فرزند غلامعلی. دین و دانش - اول متوسطه. ۱۸ ساله.
۴۷. شهید سیدمحمد جعفری‌تنها، فرزند حسین. ۱۵ ساله.
۴۸. شهید سیدمحمدجواد جوادزادگان، فرزند سیدتقی. ۱۷ ساله.
۴۹. شهید حبیب جهاندار، فرزند رضا. ۱۷ ساله.
۵۰. شهید محمدحسین چوبکیان، فرزند صفرعلی. ۱۷ ساله.
۵۱. شهید محمدحسین حسین‌پورعلوی، فرزند حسین. آیت‌الله کاشانی - دوم تجربی. ۱۹ ساله.
۵۲. شهید حسن حاج‌غفاری، فرزند علی‌محمد. ۱۷ ساله.
۵۳. شهید ابوالفضل حیدریان، فرزند غلامرضا. دبیرستان آیت‌الله کاشانی. ۱۷ ساله.
۵۴. شهید محمدتقی حیدرزاده، فرزند حسین. ۱۷ ساله.



## ■ وصایای شهدای دانش آموز استان قم

۵۵. حسین حمیدی، فرزند مهدی، دبیرستان صدوق. ۱۸ ساله.
۵۶. شهید محسن خوش گفتار قمی، فرزند فرج الله. ۲۰ ساله.
۵۷. شهید سعید خرم نژاد، فرزند محمد. دبیرستان هدایتی. ۱۶ ساله.
۵۸. شهید سید مصطفی خادمی، مدرسه انقلاب اسلامی - سوم راهنمایی. ۱۷ ساله.
۵۹. شهید مهدی دانش، فرزند محمد تقی. ۱۶ ساله.
۶۰. شهید حسن دولت مند، فرزند عبدالله. دبیرستان صدوق. ۱۸ ساله.
۶۱. شهید محمدرضا دلشاد، فرزند حبیب. ۱۸ ساله.
۶۲. شهید محمد حسین دهقانی تفتی، فرزند عباس. ۱۷ ساله.
۶۳. شهید مهدی دهقانی، فرزند علی. دبیرستان صدوق. ۱۷ ساله.
۶۴. شهید عباس رازینی، فرزند محمود. هنرستان فنی قدس. ۱۹ ساله.
۶۵. شهید غلام حسین رجایی هرنندی، فرزند حسن. ۲۰ ساله.
۶۶. شهید قاسم رحیمی، فرزند حاجی. ۱۸ ساله.
۶۷. شهید محمد علی رحیمی - فرزند حسین. دبیرستان امام صادق (علیه السلام). ۱۷ ساله.
۶۸. شهید احمد رضوانی مقام، فرزند محمد. ۱۹ ساله.
۶۹. شهید ولی رسولی، فرزند نجم الدین. ۱۹ ساله.
۷۰. شهید اسماعیل رضایی، فرزند ابراهیم. ۱۸ ساله.
۷۱. شهید احمد رنجبر، فرزند حسین. ۱۷ ساله.
۷۲. شهید عباس رنجبر، فرزند رضا، مدرسه کسایی فردو. ۱۹ ساله.
۷۳. شهید علی روحی، فرزند محمد حسین. ۱۸ ساله.
۷۴. شهید محمد رئیس ابراهیمی، فرزند رضا. ۲۰ ساله.
۷۵. شهید حسین رئیس میرزایی، فرزند یدالله. ۱۸ ساله.
۷۶. شهید علی زارعی باقرآبادی، فرزند محمد. ۱۶ ساله.
۷۷. شهید محمد زینلی، فرزند حسین. هنرجوی هنرستان فنی قدس ۱۶ ساله.
۷۸. شهید مصطفی زبیدی، فرزند حسن. آیت الله کاشانی - اول تجربی. ۱۷ ساله.
۷۹. شهید محمد جواد سعادت مند، فرزند غلامعلی. ۱۵ ساله.
۸۰. شهید غلامرضا سعادت مند، فرزند حسن. ۱۶ ساله.
۸۱. شهید محمود سلطان زاده، فرزند غلامرضا. ۱۹ ساله.
۸۲. شهید رضا سلمانی، فرزند ابراهیم. مدرسه کسایی فردو. ۱۶ ساله.



۸۳. شهید مهدی سقایتی، فرزند تقی. دبیرستان صدر. ۱۷ ساله.
۸۴. شهید سیدحسین سیدابراهیمی، فرزند سیدکاظم. ۱۷ ساله.
۸۵. شهیدسیدمجتبی سیدرضوی، فرزند سیدحسن. دبیرستان امام صادق(علیه السلام). ۱۷ ساله.
۸۶. شهید محمدرضا شریفی پور، فرزند محمود. دبیرستان امام صادق(علیه السلام). ۲۰ ساله.
۸۷. شهیدسیدمرتضی شریفی قمی، فرزند سیدحسن. دبیرستان ملاصدرا - بخش کهک. ۱۷ ساله.
۸۸. شهید احمد شریفی، فرزند جمال. ۱۷ ساله.
۸۹. شهید عباس شعبانیان، فرزند ولی الله. ۱۹ ساله.
۹۰. شهید فاضل صابری زاده، فرزند حسن. دین و دانش - دوم متوسطه. ۱۹ ساله.
۹۱. شهید علی صادقی، فرزند مسلم. ۱۶ ساله.
۹۲. شهید علیرضا صالحی، فرزند غلامحسین. ۱۷ ساله.
۹۳. شهیدمحمدعلی صادقی علی آبادی، فرزند حسین، دبیرستان صدوق. ۱۹ ساله.
۹۴. شهید سیدروح الله صفی، فرزند سیدمهدی. ۱۹ ساله.
۹۵. شهیدسیدمحمدتقی صفی، فرزند سیدمهدی. ۱۸ ساله.
۹۶. شهید محمد صفایی حائری، فرزند علی. ۱۸ ساله.
۹۷. شهید محمدرضا صدیقیان، فرزند غلامحسین. ۱۹ ساله.
۹۸. شهید محمدرضا صمصامی، فرزند عبدالحسین. ۱۶ ساله.
۹۹. شهید سیدحسن طباطبائی، فرزند سیدمحمد. دبیرستان امام صادق(علیه السلام). ۱۹ ساله.
۱۰۰. شهید مصطفی طاهری مطلق، فرزند محمد. ۱۹ ساله.
۱۰۱. شهید سید مهدی طاهری، فرزند سیدمحمد. دبیرستان امام صادق(علیه السلام). ۱۹ ساله.
۱۰۲. شهیدابوالفضل عابدی، فرزند الیاس، دبیرستان صدوق. ۱۹ ساله.
۱۰۳. شهید حسن عبداللهی، فرزند علی. ۱۷ ساله.
۱۰۴. شهید مهدی عسگری، فرزند اصغر. مدرسه کسایی فردو. ۱۶ ساله.
۱۰۵. شهید ابوالفضل عسگری نوری، فرزند محمدمهدی. دبیرستان آیت الله کاشانی - چهارم اقتصاد. ۱۸ ساله.
۱۰۶. شهید محمد عبدالمالکی، فرزندباقر. آیت الله کاشانی - دوم اقتصاد. ۱۶ ساله.
۱۰۷. شهید محسن عسگری، فرزند تقی. ۱۶ ساله.
۱۰۸. شهید حسن علی بابایی، فرزند احمد. ۱۶ ساله.
۱۰۹. شهید محسن عموتقی، فرزند علی اکبر. دبیرستان امام صادق(علیه السلام). ۱۷ ساله.
۱۱۰. شهید مرادعلی علایی کنده، فرزند شعبان. ۱۳ ساله.



## ■ وصایای شهدای دانش آموز استان قم

۱۱۱. شهید محمد غلامی قصاب، فرزند عبدالحسین. ۱۷ ساله.
۱۱۲. شهید محمدعلی فرزانه، فرزند حسن. ۱۸ ساله.
۱۱۳. شهید اسدالله فرحناک، فرزند محمود. دبیرستان صدوق. ۲۰ ساله.
۱۱۴. شهید محمد فهیمی، فرزند علی اکبر. مدرسه مهدوی - سوم راهنمایی. ۱۷ ساله.
۱۱۵. شهید حسین فرزاتگان، فرزند حبیب الله. دبیرستان امام صادق (علیه السلام). ۱۸ ساله.
۱۱۶. شهید جلیل قاسمیان، فرزند علی. ۲۲ ساله.
۱۱۷. شهید حسن قربانی دولت آبادی، فرزند عباس. ۱۹ ساله.
۱۱۸. شهید ابوالفضل قنبریان، فرزند حسین. ۱۸ ساله.
۱۱۹. شهید ماشالله کدخدایی، فرزند محمد.
۱۲۰. شهید محمد کارگورشورکی، فرزند محمود. مدرسه فردوسی - ششم ابتدایی. ۱۷ ساله.
۱۲۱. شهید منصور کارکوبزاده، فرزند خداداد. ۱۶ ساله.
۱۲۲. شهید محمد کاظمی، فرزند حبیب. ۱۷ ساله.
۱۲۳. شهید سیدمحمدجعفر کفاش حسینی، فرزند سیدعبدالحسین. ۱۹ ساله.
۱۲۴. شهید محمدحسین کاشی پور، فرزند عباس. ۱۸ ساله.
۱۲۵. شهید محمدتقی کلهری، فرزند حسینعلی. دبیرستان امام صادق (علیه السلام). ۲۰ ساله.
۱۲۶. شهید خسرو کاوندی، فرزند حسین. ۱۸ ساله.
۱۲۷. شهید فیروز کریمی زرکانی، فرزند اکبر. ۱۸ ساله.
۱۲۸. شهید سید جواد کربلایی حسینی، فرزند محمدعلی. دبیرستان هدایتی. ۱۹ ساله.
۱۲۹. شهید محمد علمایی کویایی، فرزند احمد. دبیرستان امام صادق (علیه السلام). ۱۹ ساله.
۱۳۰. شهید علی گل وردی، فرزند محمدباقر. دبیرستان صدر. ۱۹ ساله.
۱۳۱. شهید علیرضا گنجی پور، فرزند ابراهیم. ۱۷ ساله.
۱۳۲. شهید حسین مالکی نژاد، فرزند محمد. مدرسه حافظ - اول راهنمایی. ۱۷ ساله.
۱۳۳. شهید حسن محمدی مبارک آبادی، فرزند اسدالله. ۱۷ ساله.
۱۳۴. شهید محمدجواد ملک محمدی، فرزند عین الله. ۱۸ ساله.
۱۳۵. شهید محمدرضا ملک شاهی، فرزند ولی الله. ۱۶ ساله.
۱۳۶. شهید خالد محلاتی، فرزند حمزه. دبیرستان امام صادق (علیه السلام). ۱۸ ساله.
۱۳۷. شهید حسین محمدی کیلواپی، فرزند اکبر. ۱۷ ساله.
۱۳۸. شهید حسین محمدی، فرزند محمد. ۱۸ ساله.



■ برای همکلاسی ام

۱۳۹. شهید عبدالله مهرورز یوسف، فرزند عباس. دبیرستان صدوق. ۱۷ ساله.
۱۴۰. شهید حسن موحدی، فرزند محمد جواد. دبیرستان صدر. ۱۷ ساله.
۱۴۱. شهید محمدصادق منصوریان، فرزند عبدالحسین. دبیرستان صدوق. ۱۸ ساله.
۱۴۲. شهید خلیل ملکی، فرزند صفرعلی. ۱۴ ساله.
۱۴۳. شهید سیدمصطفی موسی کاظمی، فرزند سیدرضا. ۱۶ ساله.
۱۴۴. شهید سیدمهدی میرجعفری، فرزند سیدعباس. دبیرستان صدوق. ۱۸ ساله.
۱۴۵. شهید ابوالفضل ماهرخ، فرزند رضا. ۱۵ ساله.
۱۴۶. شهید مجید میوه چی، فرزند علی. دبیرستان دین و دانش. ۱۷ ساله.
۱۴۷. شهید احمد ملک محمدی، فرزند حسن. ۱۸ ساله.
۱۴۸. شهید عباسعلی مرادی کوشکی، فرزند محمدحسین. ۱۹ ساله.
۱۴۹. شهید ابوالفضل مرادی کوشکی، فرزند محمدحسین. ۲۱ ساله.
۱۵۰. شهید مهدی نوروزی، فرزند غلامحسین. هنرستان فنی قدس. ۱۷ ساله.
۱۵۱. شهید علیرضا ناهیدی حرآبادی، فرزند حسن. مدرسه شهید ابراهیم ابراهیمی. ۱۸ساله.
۱۵۲. شهید محسن ناصح، فرزند محمد. ۲۰ ساله.
۱۵۳. شهیدحیدر نعمت‌اللهی، فرزند صالح. ۱۸ ساله.
۱۵۴. شهیدعلیرضا نیازمند، فرزند رضا، ۱۶ ساله.
۱۵۵. شهید مجید وفايي، فرزند ابوالفضل. دبیرستان صدوق. ۱۶ ساله.
۱۵۶. شهید علی اصغر همراهی، فرزند مصیب. ۱۹ ساله.
۱۵۷. شهید ابوالفضل هادی زاده، فرزند عباس. ۱۹ ساله.
۱۵۸. شهید محمدعلی هادی - فرزند محمدتقی. دبیرستان امام صادق (علیه السلام). ۱۸ساله.
۱۵۹. شهید مهدی هندویان، فرزند احمد، دبیرستان صدوق. ۱۹ ساله.
۱۶۰. شهید عباس یزدانی، فرزند محمد. ۱۷ ساله.

